

گره کور مصنوعی ایجاد شده در جنبش کارگری! صفحه ۶	زنان نامرئی هند صفحه ۷	از هر دری سخنی صفحه ۹	منصور، هنوز دیر نشده، از صف کارگران جدا نشو! صفحه ۱۱	از نامه های رسیده صفحه ۱۲	در جنبش جهاتی کمونستی صفحه ۲۱	هماهنگی بین المللی احزاب و سازمانهای انقلابی - ایکور - صفحه ۲۱	بحران اوکراین و آینده جهان صفحه ۲۱
--	---------------------------------	--------------------------------	---	---------------------------------	--	---	--

عدم پیروی از تئوری علمی طبقه کارگر تسلیم در برابر ارتجاع امپریالیستی است!

خاورمیانه، یک مرکز گری تضادهای امپریالیستیها!

طبق نقشه امپریالیستیها در بی ثبات کردن کشورهای جهان سومی و تجزیه ی آنها به کشورهای کوچک تر براساس تضادهای ملی، مذهبی و نژادی، به منظور مناسب ساختن اعمال سيطره کامل نواستعماری به این کشورها وتضعیف جنبش کارگری در آنها، و بعداز آن که انتظاربراین بود که بعداز سوریه نوبت به ایران رسیده و تکه پاره کردن آن به بهانه های ملی و مذهبی از طریق ایجاد آشفته گی و جنگهای داخلی متحقق بشود درخاورمیانه فعالانه پیش برده می شود؛ پس از ناکامی این سیاست ضدانقلابی در کسب پیروزی در سوریه و به منظور تداوم نقشه سلطه یابی امپریالیستی در منطقه خاورمیانه، یکی از نیروهای مذهبی و به شدت مرتجع و وحشی به نام داعش که بقیه در صفحه پنجم

غیرپرولتاری و نهایتا خدمت به طبقات ارتجاعی می باشد. به عنوان مثال، باوجودی که نیم قرن پیش "سازمان انقلابی" درخارج ازکشور با اعتقاد به ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی و مرزبندی با رویزیونیسم کهن و مدرن امر ایجادحزب کمونیست در ایران دروحدت با مارکسیست - لنینیستهای دیگر را درپیش گرفت؛ باوجودی که انقلاب کردن را امر توده های میلیونی می دانست و به "دین افیون توده ها است" اعتقاد داشت؛ اما درک عمیقی از آنها پیاده کردن شان درعمل نداشت، کما اینکه بدون تحقق و به نتیجه رسیدن ایجاد حزب کمونیست، اولاً اقدام به شرکت در مبارزات مسلحانه ای کرد که نه نیروی رهبری کننده ی آن بود و نه رهبر این اقدام بقیه در صفحه دوم

درک ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی که کمونیسم علمی بیان فشرده آنها دربررسی و درک مبارزه طبقاتی است، و به کاربردن این درک درعمل از طریق شرکت درمبارزه طبقاتی، سازماندهی آگاهانه ی این مبارزه جهت کسب قهرآمیزقدرت سیاسی، درهم شکستن ماشین دولتی کهنه ی طبقات استثمارگر، تغییردادن مناسبات طبقاتی به نفع استثمارشونده گان و ادامه انقلاب تابه آخر می باشد. باحرکتی کورکورانه و یا یک جانبه نمی توان انتظار پیروزی را درمبارزه طبقاتی طبقه کارگر داشت. به همین علت، مسلح شدن به تئوری انقلابی حرکت اولیه ی تعیین کننده در پیشبرد گام به گام مبارزه طبقاتی و کسب پیروزی توسط یک تشکل پرولتاریائی می باشد. عدم پیروی دقیق از آن نیز به معنای افتادن به انواع انحرافات

قراردادی برای تخریب محیط زیست!

دلواپسان به نتیجه ای رسیدند!

پس از تلاش اولیه ی نیروهای طرفدار قدرت گیری نئولیبرالها درمقابله با دست برتر سپاه پاسداران در هدایت اقتصادکشور و به راه انداختن اعتراضاتی تحت عنوان «ما دلواپسیم!» و متقابلا ایستاده گی سپاه پاسداران دربرابر چنین اعتراضاتی، به ناگاه خیرزیر توسط سخنگوی دولت به اطلاع عموم رسید: «محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت از تصمیم دولت حسن روحانی برای ادامه واگذاری پروژه های بزرگ اقتصادی به سپاه پاسداران خبر داد. به گزارش «سپاه نیوز» سایت رسمی سپاه، آقای نوبخت این مطلب را در جمع بیستمین همایش سراسری «هادیان سیاسی» سپاه بیان کرده است. نوبخت در این بقیه در صفحه ششم

نیروگاه های بیشتر در ایران چه تاثیری در گفت و گوهای در حال انجام هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ خواهد داشت؛ گروهی که روسیه نیز یکی از طرف های گفت و گو در آن است. مقامات ایران و روسیه تا کنون به طور رسمی جزییاتی درباره قرار دادی که گفته می شود دو طرف در حال گفت و گو برای امضای آن هستند، ارایه نکرده اند. پیشتر خبرهایی مبنی بر احتمال امضای قرار داد خرید نفت ایران در قبال کالاهای روسی منتشر شده بود. طبق این قرار داد روس ها بخشی از پول خرید نفت ایران را صرف ساخت نیروگاه در ایران خواهند کرد. ایران و گروه ۵+۱ متعهد شده اند تا ۲۰ ژوئیه سال جاری میلادی بر سر متن و چارچوب توافق نهایی هسته ای به توافق برسند.» (آسمان دیلی بقیه در صفحه چهارم

«خبرگزاری رویترز از احتمال انعقاد قرار داد ساخت ۴ تا ۸ نیروگاه اتمی جدید از سوی روسیه در ایران در سال جاری میلادی خبر داد. به گزارش عصر ایران یک منبع آگاه با اشاره به این موضوع به رویترز گفت مقامات مسئول روسی و ایران در این باره در حال گفت و گو هستند. این منبع گفت ساخت دو نیروگاه دیگر در بوشهر در دستور کار مذاکرات طرفین است. شرکت دولت "روس اتم" روسیه پیشتر از مذاکره با ایران برای ساخت نیروگاه های اتمی بیشتر در این کشور خبر داده بود اما مقامات روس اتم به خبر روز گذشته رویترز درباره ساخت ۸ راکتور هسته ای جدید از سوی روسیه در ایران واکنشی نشان نداده اند. رویترز می نویسد: هنوز مشخص نیست قرار داد احتمالی ایران و روسیه برای ساخت

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



تداوم پیروی. بقیه از صفحه اول

درک درستی از مبارزه علیه رژیم سلطنتی داشت (شرکت در جنبش مسلحانه در فارس - ۱۳۴۳، ۱۳۴۴ - به رهبری بهمن قشقائی که تعداد اندکی از افراد ایل قشقائی در آن حضور داشتند و علارغم شجاعت و روحیه مبارزاتی شان در جنگ علیه نیروهای نظامی رژیم شاه، با رفتار بهمن و تصمیم او به تسلیم شدن به دولت و فریبکارانه قول امان نامه دادن و بخشیده شدنش و مخالفت رفقای ما، این تسلیم صورت گرفت و این گروه پارتیزانی بدون برنامه ای انقلابی از پاشید) و یا دفاع رهبری سازمان انقلابی از رژیم جمهوری اسلامی در ابتدای به قدرت رسیدن آن، به بهانه ی خطر دوا بر قدرت آمریکا و روسیه در مداخله و اشغال ایران و دیگر حرکت‌هایی توسط تشکلهای دیگر نظیر جنبش چریک شهری، توسط چریکهای فدائی خلق، قیامهایی در آمل و در کردستان (توسط سرداران و سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان - کومه له) را اگر دقیقاً و بدون توسل به قهرمانیهای مبارزان یا بدون توجه به ماهیت این حرکتها در نظر بگیریم، بدون اغراق به این نتیجه می رسیم که درک شرکت کننده گان و هدایت گران این حرکتها از مبارزه مسلحانه توده ای و ملزومات آن در پرتو اصول کمونیسم علمی یا بسیار ناچیز بوده و یا در مغایرت با رهنمودهای تئوریک مارکسیستی صورت گرفته اند که آثارشیم نقش نسبتاً مهمی در بروز بسیاری از این حرکتها داشته است.

بدین ترتیب اگر اعتقاد به تئوری کمونیسم به مثابه علم طبقاتی و اجتماعی طبقه کارگر داریم و می دانیم که علم را هم از هر کیسه گشادای نظیر جیبهای آخوندی قصه پرداز نمی توانیم به راحتی در آوریم و این که هر کلمه اش از جمع بندی علمی به دست آمده از مبارزات طبقاتی، مبارزه برای تولید و آزمونهای علمی که با خون کارگران و زحمت کشان و کمونیستها عجین می باشد، حاصل شده و تا زمانی که پراتیک جدید و موفق مبارزات طبقاتی طبقه کارگر نادرستی یا نادقیق بودن بخشی از رهنمودهای تئوری کمونیسم علمی را نشان نداده باشد، نمی توان به طور لاقیدانه ای با استدلالهای ذهنی گرایانه که اکثراً نیز توسط اتاقهای فکری امپریالیستی پیش کشیده شده اند، ردمود یا دست به تئوری سازیهای قلابی زد. اما شکست انقلابیهای کارگری در ربع آخر قرن گذشته و اشاعه ی تجدیدنظر طلبی گسترده ای در تئوری کمونیسم علمی در شرایط جدید

تاریخی، زمینه را برای بروز انواع نشنت و انحرافات نظری فراهم ساخت.

اگر آثارشیم، رفرمیسم، سازش طبقاتی و دکماتیسیم در حدود ۸۰ سال پس از تدوین مانیفست حزب کمونیست، توسط برخی از سوسیال دموکراتهای آن زمان به مثابه ابزار تکمیل در حرف و در عمل مقابله با تئوری کمونیسم علمی به ویژه توسط افراد و تشکلهای الهام گرفته از جهان بینی خرده - بورژوازی و بورژوازی پیش کشیده شد و موفق گشت تا جنبش کارگری متشکل را به دسته جات مختلف تقسیم نماید و فرقه گری را در جنبش چپ رواج دهد و به مقابله با دولت کارگری تازه به قدرت رسیده در روسیه از خارج آن کشور بپردازد؛ اما پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و چین و با نفوذی که عوامل طبقات غیر پرولتری داشتند، توانستند در درون احزاب کمونیست مقامهای بالائی به دست آورده و باز هم همان انحرافات را در عرصه های مختلف ایده ئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی، سبک کاری و رهبری غالب گردانند و نهایتاً به فتح دژ کارگری از درون آن اقدام کنند، هم نشنت نظری و هم انحلال طلبی و فرقه گرایی را چنان در درون جنبش کمونیستی و کارگری رشد دهند که امتیزه شدن این جنبش را فراهم ساختند. اکنون ما با این پدیده ضدانقلابی در درون جنبش کمونیستی ایران روبه رو هستیم که وظیفه اش آگاهانه یا ناآگاهانه سنگ انداختن در برابر سازمان یابی ایده ئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و سبک کاری طبقه کارگر در پیشبرد مبارزه سیاسی آگاهانه و قدرتمند می باشد. به چند نمونه از انحرافات موجود در جنبش چپ ایران اشاره می کنم:

۱- پذیرفتن پلورالیسم سیاسی در جنبش کارگری و یا در بهترین حالت، بدون دست زدن به وحدت پیشروان طبقه کارگر، ایجاد تشکیلی اعم از حزب یا سازمان و ادعای این که این تنها تشکل پیشرو طبقه کارگر است) که البته آن هم بدون پیوند فشرده با فعالان کمونیست طبقه کارگر و تایید آنها! و بدین ترتیب در عمل صحنه گذاشتن روی پلورالیسم تشکیلاتی و تفرقه اندازی در صف واحد و متحد طبقه کارگر با استدلالهای پای چوبی اکنون مُد روز شده است که در مغایرت و ضدیت کامل با دیدگاه پرولتری یعنی اصول کمونیسم علمی دارند!

بررسی شوند، ردپای نفوذ افکار فرقه گرایانه ی خرده - بورژوازی خود مرکز بین را می توان در آنها یافت. بنابراین دفاع از این نظر در مقابل نظریه کمونیسم علمی قرار دارد که وحدت کمونیستها و کارگران جهان را زیر پرچم خونین اش دارد. مدافعان آن نظر در لفافه اعتقاد داشتن به کمونیسم علمی آن هم به طور دست و پا شکسته ای در سطح مارکسیسم، در سطح بلشویسم و حتا در سطح تجارب سوسیالیستی در چین پیش می برند!!

۲- بر اساس کمونیسم علمی، نظام سوسیالیستی هنوز نظامی طبقاتی است و هیچ جامعه طبقاتی را در چند هزار سال نمی توان یافت بدون طبقات و دیکتاتوری طبقه حاکم! ولی در جامعه سوسیالیستی، به دلیل رهبری طبقه کارگر و تلاش وی در از بین بردن مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و نهایتاً کار مزدی، از بین بردن بقایای طبقات غیر پرولتری استثمارگر و عادات و سنی که چون بار سنگینی بر دوش کل جامعه می افتند و یک روزه از بین نمی روند، دیکتاتوری پرولتاریا برای تحقق کامل سوسیالیسم و گذار به فاز بالای جامعه ی کمونیستی لازم است. شکست دولتهای کارگری در قرن گذشته به عیان ثابت کرد که اگر انقلاب کردن پرولتاریا گام اول در برقراری سوسیالیسم می باشد، ولی تعمیق انقلاب به ویژه از طریق انقلابات فرهنگی پرولتاریائی با چنان مقاومتهای مخرب طبقات غیر پرولتری چه در خودکشور و چه در اثر مداخلات نظامهای سرمایه داری در جهان روبه رو می شود که در صورت عدم آماده گی ذهنی و عینی دولت کارگری در مقابله با مدافعان نظام سرمایه داری، مقابله ای نابرابر به دولت کارگری در شرایط عدم توازن قوا، یا با زور و یا با غصب رهبری تحمیل شده و این دولت از هم می پاشد. عدم احترام به این واقعیت، و تئوری سازیهای در رابطه با این که دیکتاتوری پرولتاریا نظری بسیار جدی در مارکسیسم نیست چون که مثلاً تنها چند بار در کل آثار مارکسیستی آمده است!! این استدلال کودکانه به قدری مضحک و غیر علمی است که نشان می دهد، مشکل مدافعان این نظریه در عدم درک جان سختی طبقات و از بین بردن حتا بقایای آن ها می باشد که یک روزه صورت نمی گیرند! برای درک آن باید به درک ریشه و علت به وجود آمدن طبقات و مبارزه طبقاتی پرداخت که رابطه ای مستقیم با تولید و به وجود آمدن از خود بیگانه گی در سهم بری از محصولات تولیدی ◀

بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی ممکن نیست!



دارد که ناشی از مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله است. دیکتاتوری پرولتاریا برخلاف دیکتاتوری طبقات استثمارگر، که طی تاریخ دائما اقلیت ناچیزی از صاحبان وسایل تولید و مبادله بوده اند که بر اکثریت کارگران و زحمت کشان تحت استثمار و ستم دیکتاتوری اعمال می کردند، دیکتاتوری اکثریت کارگران و زحمت کشان بر اقلیتی از استثمارگران و پیروان آنان است که علیه سوسیالیسم بوده و در پیشبرد آن سنگ اندازی می کنند. فراموش نکنیم که از فردای انقلاب کارگری نمی توان خرده مالکان که قشر نسبتا وسیعی را در جامعه تشکیل می دهند یک روزه سلب مالکیت و خلع سلاح از نظر ایده نولوژییک کرد و مانع اتحاد آنها به طور کامل با بقایای سرمایه داران در سرنگون سازی دولت کارگری شد! پس وجود و یا قبول دولت به معنای وجود طبقات آشتی ناپذیر می باشد (انگلس). به همین دلیل بود که مارکس هم تاکید نمود که: ۱) وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است. ۲) اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دیکتاتوری پرولتاریا منجر می سازد. ۳) اینکه خود این دیکتاتوری فقط گذاری است به سوی نابودی هر گونه طبقات و به سوی جامعه بدون طبقات. (نامه مارکس به ویدمیر مورخ ۵ مارس ۱۸۵۲) و لنین اضافه می کند: "مارکسیست فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزه ی طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد. وجه تمایز کاملا عمیق بین یک خرده بورژوازی عادی (و همچنین بورژوازی بزرگ) بایک مارکسیست در همین نکته است". (دولت و انقلاب) ۳- اندیشه رویزیونیستی دیگر که امروز در سطح وجیه المله نشان دادن خود در بسیاری از تشکلهای چپ مدعی کمونیست بودن چنان جا افتاده که به خصوص باتکیه به "حق رای همگانی" و احترام به آن به هر قیمتی و در انتظار روزی ماندن که رای دهنده گان به حدی از درک بالابرسند که رای درستی بدهند، جا افتاده است!! در حالی که بارها و بارها دیده ایم رای اکثریت چه گونه در خدمت طبقات ارتجاعی قرار گرفته است! تبلیغ "آزادی بدون قید و شرط سیاسی" نشان از گردن گذاشتن به رفرمیسم در عرصه ی نظری و پارلمانتاریسم در عرصه ی سیاسی داشته و در شرایطی که نظام سرمایه داری جهانی با تمام وسایل تبلیغی اش از یک سو و گرفتار کردن توده های مردم در تلاش برای معاش سخت روزانه که امان از کف آنها ر بوده و امکان

درک مسایل توسط آنان را بسیار محدود و کند ساخته است، به ویژه این که دیکتاتوری افسارگسیخته ای نظیر آن چه که روزانه می بینیم حاکمان کاخ سفید با چه بی شرمی ای به کنترل نظر میلیونها انسان در جهان با تکیه به تکنولوژی پیشرفته اطلاعاتی می پردازند، حضرات چپ، مبارزه طبقاتی را از سطح قهرآمیز و نبرد سخت مرگ و زنده گی تا محو طبقات، به صحنه ی مبارزه نرم نرمک می کشانند؛ امری که به تداوم حیات جبهه بی رحم و ارتجاعی و آدم کش استثمارگران در عمل و درسوسیالیسم یاری می رساند و سرنگونی دولت کارگری را به ویژه در شرایط عدم توازن قوا بین انقلاب و ضدانقلاب تدارک می بیند. این انحرافات رویزیونیسم پست مدرن عصر گلوبالیزاسیون پیشرفته سرمایه و حاکم شدن نئولیبرالیسم به اقتصاد جهانی سرمایه داری است که با سه تز "پلورالیسم تشکیلاتی"، "رد دیکتاتوری پرولتاریا" و "تاکید بر آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی" و به علاوه انحرافات دیگری نظیر "رد حزبیت پرولتاریائی"، "نفی تشکل یابی ابتدائی سندیکائی پرولتاریا"، "نفی ماهیت امپریالیستی سرمایه های مافوق انحصاری"، "نفی مرکزیت - دموکراتیک به مثابه سبک کار پرولتاریا در پیشبرد مبارزات طبقاتی و تصمیم گیری" و غیره و غیره و با نشان دادن خود به مثابه "گرگ در لباس میش" مانع بزرگی در متحد شدن و حرکت قدرتمند طبقه کارگر و توده های زحمت کش در شرایط کنونی تاریخی می باشد. برای نگه داشتن انسانها در بی خبری بارها برخی از نیروهای چپ به نقد آوردن نقل قول از آموزگاران پرولتاریا پرداخته اند تا استدلالهای یک جانبه شان را معقول جلوه دهند، اما هم اینک از آوردن حداقل نقل قولهای فراوانی در موارد ذکر شده در بالا اجتناب کرده و تنها به نظر مارکس "جوان" و مارکس "پیر" بسنده می کنیم که در "دست نوشته های اقتصادی و فلسفی" اش (۱۸۴۴) در مورد "مالکیت خصوصی و کمونیسم" (ترجمه حسن مرتضوی) و "نقد برنامه گوتا" (ترجمه ع.م. ۱۸۷۵ آمده اند: "کمونیسم نمود ایجابی مالکیت خصوصی الغاشده و در وهله نخست نمود مالکیت خصوصی همگانی است... از یک سو بیانگر فرمانروائی مالکیت مادی در ابعادی آن چنان وسیع است که می خواهد هر آنچه را که به عنوان مالکیت خصوصی نتواند به تملک همگان درآید، نابود کند (ص ۱۶۶ - دست نوشته...) و ۲ - کمونیسمی که الف - ماهیتا

هنوز سیاسی یعنی دموکراتیک و استبدادی است، ب - دولت را محو می کند و برمی چیند اما هنوز ناقص است و تحت تاثیر مالکیت خصوصی است (یعنی تحت تاثیر بیگانگی آدمی). کمونیسم در هر دو شکل، اگرچه از ادغام مجدد یا بازگشت آدمی به خویشتن یعنی فرارفتن از از خود بیگانگی آدمی آگاه است، اما چون هنوز ذات ایجابی مالکیت خصوصی را در نیافته است... از آن تاثیر می پذیرد" (همانجا - ص ۱۶۹) و بالاخره مارکس "پیر" در "نقد برنامه گوتا" باز هم تاکید می کند:

"در مراحل اولیه کمونیستی یعنی در آن موقع که این جامعه پس از دردهای طولانی زایمان از یطن جامعه سرمایه داری بیرون می آید، این کمبودها (منظور حقوق برابر است) اجتناب ناپذیر خواهد بود حق هیچگاه نمی تواند در هر مرحله ای بالاتر از ساخت اقتصادی جامعه و تحولات فرهنگی تابع قرار بگیرد." (ص ۲۲)

"بین جامعه سرمایه داری و جامعه کمونیستی دوران گذار انقلابی اولی به دومی قرار دارد. منطبق با این دوران، یک دوران گذار سیاسی نیز وجود دارد که دولت آن چیزی جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نمی تواند باشد." (همانجا ص ۳۲ - ۳۳)

انگلس این مقولات را در جمله تاریخ جوامع طبقاتی پیوسته "گذار از قلمرو ضرورتها به قلمرو آزادی" بوده است، نشان می دهد که تا زمانی که ضرورت مبارزه طبقاتی وجود داشته باشد رسیدن به آزادی ممکن نیست.

بدین ترتیب جنبش کمونیستی ایران امروز بدون مبارزه با رویزیونیسم پست مدرن قادر به پیشروی جدی و متحد کردن پیشروان کارگری تحت پرچم کمونیسم علمی نخواهد شد. به همین علت حزب رنجبران ایران پس از ۳ سال تلاش برای جلب نیروهای چپ به وحدتی اصولی و عدم موفقیت اش در این مورد از عضویت در نشست احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست کناره گیری نمود. که متن آن را در زیر ملاحظه خواهید کرد.

ک. ابراهیم - ۱۹ خرداد ۱۳۹۳

موضع ما در قبال نشست احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست
رفقا و دوستان

ضمن تقدیر از تشکلهائی که بعد از ۳ سال به ارائه نظرشان در مورد "مبانی سیاسی" اقدام کرده اند؛ تلاش برای تهیه آن بعد از ۳ سال کش و قوس رفتنها، که بسیاری از تشکلهای حزبی و سازمانی کاملتر از آن را



ضرورت مبارزه علیه رویزیونیسم پست مدرن نئولیبرالیستی!



قراردادی برای تخریب... بقیه از صفحه اول
نیوز - ۲ خرداد ۱۳۹۳

«طبق گزارش ایسنا: یک مقام آگاه در سازمان انرژی اتمی، درباره برخی اخبار مبنی بر مذاکرات میان تهران و مسکو برای ساخت هشت راکتور هسته‌ای گفت: بر اساس پروتکلی که میان ایران و روسیه به تفاهم رسیده است، امکان مذاکره و توافق برای ساخت هشت راکتور اتمی وجود دارد و اگر این پروتکل امضا شود در اصل مجوز ساخت هشت راکتور هسته‌ای صادر شده است. این مقام آگاه در عین حال تاکید کرد مذاکرات برای رسیدن به توافق نهایی برای ساخت دو راکتور همچنان ادامه دارد و مراحل قانونی‌اش را به لحاظ فنی و حقوقی طی می‌کند.» این خبر را از سه جنبه احتمالی می‌توان مورد بررسی قرار داد:

احتمال اول این است که برای فشار آوردن به گروه قلمچاق ۳+۱ باشد که اگر با ایران به توافق نرسند، چنین برنامه‌ای کار آنها را در کنترل اتمی ایران دچار مشکل بازهم بیشتری خواهد کرد. و شاید رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز از این بلوف در شرایط به غایت بحرانی اقتصادی کشور که توان انجام این برنامه را ندارد، به نفع پیشبرد مذاکره استفاده نماید.

احتمال دوم این است که در چنین قراردادی در صورت جدی بودنش، بیشترین سود نصیب دولت روسیه می‌شود که اگر طبق تجربه نیروگاه اتمی بوشهر کار را جلو ببرد سالهای سال نفت ایران را ارزان خرید و در بازارهای جهانی فروخته و درآمدش را به دست خواهد آورد و دولت جمهوری اسلامی ایران شاید با بستن چنین قرارداد احتمالی از دولت روسیه بخواهد که با توجه به این که ایران در "حريم امنیتی" روسیه قرارداد در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات با ۵+۱ ایران از پشتیبانی نظامی دولت روسیه برخوردار شود. نظام سرمایه داری روسیه بدین ترتیب "هم از توبره خواهد خورد و هم از آخور!"

و بالاخره احتمال سوم که بهتر است راه حل منطقی و یا ضرورت سوم در نظر گرفت، در برابر این سیاست اتمی رژیم جمهوری اسلامی ایران است که راه را برای چنین ماجراجویی هائی می‌تواند ببندد و آن این است که امروز مشکلات و خطرات مربوط به استفاده کننده گان از برق نیروگاههای اتمی در جهان بعد از حادثه چرنوبیل و

از طریق پیوند فشرده با جنبش کارگری و کارگران کمونیست در داخل جزم نموده و فرقه گرائی و سکتاریسمی را که تا به حال صدمات فروانی به وحدت جنبش کارگری و کمونیستی زده است، قاطعانه رد کرده و با نوسازی خود و ارج گذاشتن به مبارزات آگاهانه طبقه کارگر و کمونیستها در جهان که دست آوردهای عظیمی در گامهای اولیه داشته ولی در اثر تخریب های خرده بورژوائی و بورژوائی و عدم توازن قوا با ناکامی روبه رو شدند در شرایطی که امپریالیستها بیش از پیش جهان را به سوی بربریت سوق می دهند، گامهای استواری در رسیدن به پیروزی انقلاب کارگری و سوسیالیسم برداریم. برای اساس ما شرکت خود را در تجمعی ناهمگون با خواست کارگران کمونیست، تشکلهائی که خود را کمونیست دانسته و از نوسازی کمونیستی خود غافل مانده اند و نسبت به نظرات ماهم لاقیدانه رفتار کرده و پشت گوش انداخته اند، به ضرر پیش روی جنبش کمونیستی و کارگری و سرفرود آوردن در برابر التقاط گری دانسته، از ادامه شرکت در این نشست، جز در حد ناظر، امتناع می ورزیم و هر وقت که چه یکی از تشکلهای و چه مجموعه تشکلهای نشست صمیمانه در جهت رسیدن به وحدتی اصولی و یکپارچه تشکیلاتی آماده گی داشته باشند، ما حاضریم با کمال میل در این روند با رفقا هم گام شویم. امروز جنبشهای وسیع توده ای و کارگری در سراسر جهان و در ایران، در شرایط فقدان احزاب کمونیست انقلابی، قادر به ایجاد تغییری رادیکال در مبارزه علیه حکومتهای سرمایه دار، امپریالیستی و غیره نشده اند. به این جهت تلاش برای ایجاد چنین احزابی به ضرورتی فوری مبدل شده است که فرمیسم، رویزیونیسم، دکماتیسم و اکلکتیسم در جلوگیری از آن نقشی تعیین کننده دارند. بی تفاوتی کمونیستها در برابر چنین وضعیتی نشان دهنده ی عدول آنها از آرمان کمونیستی و تلاش برای کشاندن طبقه کارگر به دسته بندیهای متفاوت و در نتیجه غیر متحد برخاسته از ایده نولوژی خرده بورژوائی، می باشد و سرفرود آوردن در برابر چنین حرکتی مغایر با گام برداشتن اصولی و انقلابی پرولتاریا است که نهایتاً به سود فرقه گرائی تمام می شود.

از طرف حزب رنجبران ایران -

ابراهیم -

اردیبهشت ۱۳۹۳



در برنامه شان دارند و مهمتر از آن هیچ پشتوانه ای عملی به علت تعدد تشکلهای مستقل در پیاده کردن این مبانی موجود نیست، نشان می دهد که حلقه اصلی رنجبر مبارزه طبقاتی را نیروهای نشست کنونی در این شرایط هنوز به دست نگرفته، یا نسبت به آن عالما و عامدا بی توجه بوده و به فرعیات مبارزه طبقاتی که جنبه تفسیری بیشتر دارند تا جنبه عملی، دل خوش کرده اند. بیش از ۳ سال است که علیرغم تلاش حزب ما از ابتدا در این نشست برای رسیدن به وحدتی اصولی و تشکیلاتی پیرامون آموزشهای کمونیسم علمی بعد از شکست دو تجربه مشابه قبلی مان در خارج از کشور و شاهد پراختیگی، نظیر ناتوانی در توافق بر سر دادن یک اعلامیه مشترک، عدم تمکین به پیشبرد امور بر اساس مرکزیت - دموکراتیک در این نشست، تداوم اختلاف نظرهای جدی در مورد تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری به قدرت رسیده، به این نتیجه رسیده ایم که نفوذ دیدگاههای خرده بورژوائی خودمرکزبین، فرد و گروه گرا به حدی ریشه دار در جنبش چپ ایران و از جمله در میان برخی تشکلهای شرکت کننده در این نشست می باشد که ایجاد تغییر اصلی را فعلا ناممکن می سازد. نیرو و انرژی زیادی را از رفتن تشکلهای صمیمانه اعتقاد به تقویت جنبش کمونیستی در جهت ایجاد حزب واحد طبقه کارگر در ایران در این تجمع دارند، می گیرند ولی در عمل به حداقل نتیجه هم ما نرسیده ایم. سازش با این دیدگاهها و شیوه های تفکر، جز سرخم کردن و یا دنباله روی از ایده نولوژی غیر پرولتری به انحراف کشاندن و مانع تراشی در وحدت جنبش کمونیستی نمی باشد. از همه مهمتر اینکه گوش شنوایی به نظرات و هشدارهای رفقای کارگر کمونیست داخل کشوری نداریم که امر وحدت کمونیستها در حزب واحد کمونیست را مرتباً ضمن رد کردن انواع تشکلهای معتقد به حزب کمونیست بودن موجود تکرار می کنند! اگر ما که خود را مدافع طبقه کارگر می نامیم و بخواهیم با این رفقا که زیر شدیدترین فشارهای پلیسی رژیم در داخل به طور پرصلابتی تاکید بر سازمان یابی واحد کمونیستها دارند هماهنگ شویم، ضروری است دست از وحدتهای آبکی نوع کنونی برداریم و مجدانه مواضعمان را به رفقای کارگر دربند نزدیک نماییم و با گسست از روشهای نیم بند غیر پرولتری، عزم مان را در وحدت بر اساس اصول کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک به خاطر ایجاد حزب واحد کمونیست ایران

از انرژی سالم موجود در ایران در حفظ محیط زیست استفاده کنیم!



فوکوشیما چنان لرزه ای به جان دارنده گان این نیروگاهها انداخته است که در ژاپون و آلمان دولتها تصمیم به ازکار انداختن نیروگاههای اتمی گرفته اند، چون که بروز اشکالی تکنیکی در این نیروگاهها و یا بروز حادثه ای طبیعی نظیر صدمه خوردن این نیروگاهها به دلیل زلزله، سونامی و غیره چنان خطرات جانی به وجود می آورد که طی هزاران سال ناشی از پخش مواد رادیو آکتیو در طبیعت برای سلامتی انسانها، حیوانها و محیط زیست، رهائی از آنها به آسانی ممکن نیست.

بالاتر از همه این که در ایران کمبود برق را هم می توان از انرژی سالم خورشیدی که فراوان موجود است و هم با استفاده از منابع عظیم گازی فراهم نمود که هیچ گونه خطری در مقایسه با نیروگاههای اتمی ایجاد نمی کنند و نهایت کوتاه بینی هست که در ایران که مملکتی است به تمامی زلزله خیز، اصرار به ساختن نیروگاههای اتمی نمود و مردم ایران را در برابر خطرات ناشی از تشعشعات اتمی قرار داد.

امروز وظیفه ی طبقه کارگر و کلیه نیروهای فهیم آزادی خواه است که برای حفظ سلامتی محیط زیست که در ایران به وضعیتی بحرانی رسیده است علیه سیاست ساختن نیروگاههای اتمی، پرچم اعتراضات را بلند کنند و فراموش نمایند که حتا زباله های نیروگاههای اتمی چنان خطر ساز هستند که هنوز درازبین بردن خطر رادیو آکتیو بودن آنها راه حلی جدی و قطعی در جهان پیدا نشده است.

نه به نیروگاههای اتمی و دیگر نیروگاههای تولید کننده گاز اکسید کربن! طبیعت خطرات ناشی از استفاده از این نیروگاهها را بارها نشان داده است! به پیش برای استفاده از انرژی سالم برای محیط زیست!

هیئت تحریریه رنجبر - خرداد ۱۳۹۳



داعش بقیه از صفحه اول

دوسال پیش تشکیل شد و قصد ایجاد دولتی اسلامی مسلط بر عراق و سوریه را داشت و از طرف حکومتهای ارتجاعی منطقه نظیر عربستان سعودی و قطر مورد حمایت است برای سلطه یابی بر سوریه به فعالیت مسلحانه

ی به غایت وحشیانه ای مشغول شد. اما این نقشه با پیروزی در آنجا روبه رونگردید و در ادامه کار، بقایای نظام بعثی عراق با ارزیابی از وضعیت شکننده دولت شیعه عراق و در عین حال تضاد بین سنی ها و شیعه ها در آن و بالاخره استفاده از وضعیت کنونی، برای براندازی حاکمان عراق و پیشبرد اهداف خود احتمالا در جریان اخیر در پیشروی نیروهای داعش در بخش سنی نشین عراق بی تاثیر نبوده است.

بدین ترتیب، از نظر امپریالیستها زمینه برای پیاده کردن تقسیم عراق به سه منطقه مستقل شیعی نشین در جنوب، سنی نشین در غرب و کردنشین در شمال شرقی نظیر آن چه که در یوگوسلاوی پیاده کردند، مناسب تشخیص داده شده است.

دولت ایران در این ماجرا به بهانه ی دفاع از مراکز مذهبی شیعه در عراق نیروهای خود را برای گسیل احتمالی به آن مناطق و در واقع برای جلوگیری از شکست نیروهای دولتی عراق و افتادن قدرت به دست داعش آماده مداخله نموده است. کمک خواهی نوری المالکی نخست وزیر عراق از دولت آمریکا و موضع دوپهلوی اوباما دایر بر اینکه نیرو به عراق فرستاده نخواهد شد ولی بعد از بررسی تصمیم گرفته خواهند که چه کمکهائی به دولت عراق می توانند بکنند، نشان داد که دولت آمریکا مترصد رشد اوضاع و پیروزیهای احتمالی آینده نیروهای داعش است که شاید در چنین حالتی دست به اقدامی بزنند!

امپریالیستها نقشه ی به کنترل کامل در آوردن خاورمیانه بزرگ را هنوز کنار نگذاشته اند و در واقع قدم دیگری در جهت نزدیک نمودن آتش اغتشاش به ایران برداشته اند. نیروهای اسلامی در منطقه تحت انواع و اقسام اسم و رسم مهره هائی بیش در دست اینان نیستند.

بنابراین ضروری است باتوجه به وضعیت تیره و تاری که با گسترش فعالیت بنیادگر ایان اسلامی در انتظار مردم منطقه است، اولاً کمونیستها و طبقه کارگر منطقه باید علیه دخالت امپریالیستها و نیروهای مرتجع اسلامی متحد و یک صدا به پا خیزند. ثانیاً این حرکت بدون رهبری باتجربه، آگاه و دوراندیش کمونیستی پیش نخواهد رفت و "بهار عربی" به وضوح این امر را نشان داد که تقسیم توده های مردم و حتا طبقه کارگر و نیروهای سیاسی چپ و قرار داشتن آنها تحت نفوذ انواع و اقسام نیروهای سیاسی وابسته به طبقات مختلف غیر پرولتری و هم چنین سیاستهای رفرمیستی این نیروها، قادر به پیشبرد مبارزه علیه بورژوازی حاکم و

امپریالیستها نبوده و در عمل فعالیت آنان در خدمت به نیروهای غیر پرولتری قرار می گیرند.

لذا وحدت کمونیستها و دست برداشتن از انواع خودمركزی بینی ها و نظرات رویزیونیستی و متحد شدن حول کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک به یک ضرورت فوری تبدیل شده و عدم گردن گذاشتن روی این واقعیت و منتظر رویدادها نشستن تنها و تنها در بازگذاشتن دست نیروهای بورژوازی، خرده بورژوازی و وابسته به امپریالیسم در به دست گرفتن ابتکار عملها در چنین اوضاعی، معنای دیگری ندارد. هم چنین اتحاد عمل احزاب کمونیست کشورهای منطقه در مقابله با دست اندازیهای امپریالیستی و با تقویت نیروهای اسلامی افراطی نیز بیش از پیش به یک ضرورت عاجلی تبدیل شده است.

دست امپریالیسم و نیروهای مرتجع اسلامی از دخالت در امور کشورها کوتاه پیش به سوی ایجاد حزب کمونیست واحد در هر کشور و اتحاد فشرده کمونیستهای منطقه در مقابله با ضدانقلاب داخلی، منطقه ای و جهانی!

سرنگونی دولتهای ارتجاعی منطقه، جهت تحقق استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و انقلاب سوسیالیستی!

حزب رنجبران ایران - ۲۵ خرداد ۱۳۹۳ - ۱۵ ژوئن ۲۰۱۴



به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

ضرورت وحدت کارگران و زحمت کشان خاورمیانه برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم



در این مورد اگر کمونیستها به عنوان پیشروان طبقه کارگر از ابتدا بدون شیره مالیدن بر سر توده های کارگر و زحمت کش، ایجاد حزب پیشرو واحد کمونیست در هرکشور را که باید مدافع «منافع آنی و آتی» طبقه کارگر باشد مطرح ساختند و همین احزاب بودند که انقلابات تاریخ سازی نظیر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب اکتبر ۱۹۴۹ چین و غیره را رهبری نمودند، ولی مدافعان نظام سرمایه داری پس از کسب قدرت توسط بورژوازی و به منظور ممانعت از متشکل شدن طبقات در احزاب واحدسیاسی خود، احزاب سیاسی گوناگونی را به وجود آوردند که به هیچ وجه این احزاب اختلافات اساسی بایک دیگر نداشتند و بر پایه اختلافات جزئی و بیشتر تاکتیکی تا استراتژیکی، خود را به عنوان بهترین احزاب جامعه بورژوازی معرفی نمودند و براین اساس به تجزیه و تفرقه انسانها در احزاب مختلف دامن زدند تا سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت بکن!» را تحقق بخشند. امری که تضاد دوجهان بینی متضاد پرولتری و بورژوائی را به عیان نشان داد.

حتا اگر سیر حرکت احزاب بورژوائی را در چندصدسال اخیر نگاه کنیم، می بینیم که عملا به آنجا ختم شده است که هم اکنون در بسیاری از کشورها دوحزب بزرگ بورژوائی متلوبا قدرت را به دست می گیرند و در این میان تعداد دیگری از احزاب بورژوائی و خرده بورژوائی کوچک ویلان و سرگردان به دنبال این یا آن حزب بزرگ بورژوائی روانند و آتش بیار معرکه ی به قدرت رسیدن این یا آن جناح بورژوازی می گردند. امری که به وضوح تحلیل دقیق لنین را نشان می دهد.

ولی مشخصا هم اکنون کارگران پیشرو در ایران پرچم ایجاد حزب واحد پیشرو خود را به حق بلند کرده اند و نشان می دهند که وفادار به تئوری کمونیسم علمی خویش می باشند. اما احزاب و سازمانهای موجود چپ در ایران که داعیه کمونیست بودن را دارند، به جای دفاع قاطعانه از این خواست کارگران پیشرو، یا به فرقه های خود اصالت علمی قایل شده و با نفی دیگران - آن هم در شرایطی که می بینند خودشان قادر به گرفتن تائید از جانب پیشروان کارگری به عنوان تشکیلات حزبی کارگران پیشرو شده اند - به فکر ایجاد قطبی از نیروهای چپ افتاده اند و امر حزب سازی به مثابه نیروی مادی تغییر را در حد صرفا سیاسی و لذا ذهنی قطب سازی بدون پشتوانه ی عملی تغییردهنده ی جدی درپیش

رسیدن به چنین آینده ی درخشانی کارگران باید متشکل شده و به مثابه تولیدگران اصلی کشور سرنوشت هدایت آن را به دست بگیرند و نظام مالکیت خصوصی را برای همیشه به زباله دانی تاریخ بسپارند.

تفسیر روز- اول تیر ۱۳۹۳



گره کور مصنوعی ایجاد شده در جنبش کارگری!

آیا حقانیت دارد که گره کوری در جنبش کارگری به وجودآمده که مانع از حرکت در مسیر پرپیچ و خم آن شده است؟ برای کسانی که به تاریخ و وضعیت کنونی جهان با دیدی علمی و مستدل نگاه می کنند، وضع در جنبش کارگری ایران آن قدر هم تیره و تار و غیرقابل تشخیص نشده است. اما برای آن بخش از انسانها که نه به طور عینی بلکه از دید ذهنی و وضعیت و موضع طبقاتی متزلزل خود به پدیده ها نگاه می کنند، بدبینی، نفی گرایی و زیر علامت سوال بردن حتا ابتدائی ترین واضحات اثبات شده مبارزه طبقاتی تبدیل به موضع متحجری برای آنان شده که راه رهائی از این بینش گشوده با موانعی جدی روبه رو است. و اگر به دنبال گره کور برویم باید سری به جنبش چپ بزینم که خودرمدافع جنبش کارگری ولی بادیدگاههای غیرپرولتری می داند!

از نظر تاریخی بنا به استدلال لنین: «افراد بیپوده می کوشند چیز کاملا ویژه ای از خوداختراع نمایند و از فرط تلاش در فضل فروشی وضع مضحکی پیدا می کنند. همه می دانند که توده ها به طبقات تقسیم می شوند... - که طبقات را معمولا و در اکثر موارد، لا اقل در کشورهای متمدن معاصر احزاب سیاسی رهبری می نمایند؛ - که احزاب سیاسی طبق معمول توسط گروههای کم و بیش ثابتی از با اتوریتته ترین، متفذترین و مجربترین افرادی که برای پر مسئولیت ترین مقامات انتخاب می گردند و پیشوا نامیده می شوند، اداره می گردند. همه اینها الفباء است. همه اینها ساده و روشن است...» (آثارمنتخب یک جلدی - بیماری کودکی «چپ روی» در کمونیسم - صص ۷۴۲-۷۴۳)

دلواپسان... بقیه از صفحه اول

همایش گفته دولت نمیخواهد «سپاه با بخش خصوصی رقابت کند، ولی کارهای بزرگی را که از توان بخش خصوصی خارج است باید سپاه انجام دهد.»

به گفته سخنگوی دولت یازدهم «الآن هم اینگونه پروژهها را به نیروهای مسلح بهویژه قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا واگذار خواهیم کرد.»

حسن روحانی نیز در نخستین ماه تصدی قوه مجریه در جمع فرماندهان سپاه از آنها خواسته بود تنها پروژههای بزرگ اقتصادی را دنبال کنند.

روابط دولت و سپاه پاسداران در ماههای اخیر بر سر اجرای طرح «اقتصاد مقاومتی» و بی اعتنایی دولت به طرحهای سپاه و بسیج در این زمینه تا حدی تیره شده است.

رسانه های سپاه طی این مدت نیز حملات خود علیه دولت را افزایش داده بودند که با هشدار حسن فیروزآبادی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح مواجه شدند. « (آسمان دیلی نیوز - ۲ خرداد ۱۳۹۳)

البته نباید فراموش کرد که بورژوازی لیبرال ایران با امید بستن به قیله امپریالیستی (آمریکا، اروپا و ژاپون) شدیدا تلاش می کند تا هدایت اقتصاد در ایران را هرچه بیشتر به سمت نزدیکی فشرده با غرب سوق دهد که در چنین صورتی سرمایه های فوق انحصاری غرب در ایران مقام رهبری کننده را به دست آورده و به نوعی از سپاه در این زمینه خلع ید خواهند کرد و به این اعتبار مبارزه بین دوجناح سرمایه داری خصوصی و دولتی پیوسته در ایران طی حاکمیت رژیم اسلامی نیز لحظه ای قطع نشده و سیاست تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی کارخانه های دولتی و فروش آنها به قیمت های ناچیزی به آقا زاده های دوربر حاکمیت و مقامات روحانی نمودی از این واقعیت بود که پس از به ریاست جمهوری ایران رسیدن هاشمی رفسنجانی ماشه ی آن کشیده شد و هنوز نیز عوارغم مقاومت مدافعان سرمایه های دولتی به نتیجه ی نهائی به سود خصوصی سازی عمده وسایل تولید در ایران نرسیده است.

حل بحران اقتصادی در ایران نه در دست سرمایه های خصوصی و نه دولتی است. اجتماعی کردن این امکانات و حاکمیت طبقه کارگر در اداره کشور تنها راه نجات اقتصادی کشور از بحران و ایجاد جامعه ای است که در آن از فقر و گرسنه گی و بی کاری و دردسر در دوران بازنشسته گی برای همیشه اثری برجا نخواهد ماند و برای

علیه تجاوزات امپریالیستی و تقسیم کشورها و ملتها بپاخیزیم!

گرفته اند.

حزب رنجبران ایران از ابتدای تشکیل شدنش برای پایان دادن به هرج و مرج کنونی در جنبش چپ ایران پیشنهاد تلاش برای وحدتی اصولی بر پایه کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک را داد، و بعد از بارها شرکت کردن در جمعاعات نیروهای چپ که امر وحدت ایده نولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی - سبک کاری و فرماندهی واحد را نادیده گرفته و از حد وحدتهای نوع جبهه ای پا را فراتر نمی گذاشتند، بالاخره در وضعیت کنونی که کارگران پیشرو پرچم ایجاد حزب واحد کمونیست را بلند کرده اند، از این سیاست جبهه سازی و قطب سازی نیروهای چپ فاصله گرفته و تداوم چنین حرکتی را جواب دادن به خواست طبقه کارگر ایران و جهان نمی داند. به همین دلیل در نشست سوم جمعی از نیروهای چپ جدائی خود را اعلام نمود. (رجوع کنید به نوشته ای زیر تیتر «عدم پیروی از تئوری علمی طبقه کارگر در همین شماره») در واقع گره کوری از نظر ذهنی و عملی برای افراد پیشرو طبقه کارگر وجود ندارد. گره کور تداخل ایده نولوژی طبقات غیر پرولتری و به ویژه خرده بورژوازی در جنبش کارگری است که گروه گرائی را بر اجرای رهنمود کمونیسم علمی ترجیح می دهند و ضروری است کارگران پیشرو علیه این دیدگاه هرچه بیشتر موضع گیری نموده و مانع از تداخل و خراب کاری ایده نولوژیهای غیر پرولتری در صفوف خود شوند.

هیئت تحریریه رنجبر -
خرداد ۱۳۹۳



زنان نامرئی هند

بخش هندی بی بی سی - ۰۴ مه ۲۰۱۴ -
۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۳

[اگر بر این باوریم که بدون آگاه، بسیج، متشکل کردن زنان و شرکت فعال آنها در پیشبرد امر انقلاب کارگری به دلیل این که زنان نیمی از انسانهای جهان و بالاتر از آن نیمی که نه تنها گرفتار چنگال استثمارچندلایه ای نظام طبقاتی حاکم بر جهان هستند، بلکه از تولد تا پایان عمر با چنان تحقیرها، ستمها و ذالتهائی از جانب غول بی رحم و انصاف مردسالاری روبه رو می باشند که زنده گی را در مصیبتی عظمای می گذرانند، قلبشان



می آورند. سال ۲۰۱۲ تجاوز و قتل دختری دانشجو در اتوبوسی در دهلی خبر اول بسیاری از رسانه ها شد، این حادثه جرقه ای برای شروع اعتراض ها به خشونت علیه زنان در هند شد. زنان مجرد در هند با دشواری های بسیاری روبرو هستند و معمولاً زندگی عادی ندارند.

اولین بار که کودو را دیدم، پیراهن زرد بلندی پوشیده بود و با موهای بافته و روغن زده در خانه روستایی اش مشغول کارهای خانه بود. برای یک لحظه کودو به نظرم یک خدمتکار کم سن و سال آمد. دختری کوچک که آشپزی و نظافت می کرد. درست مثل میلیونها دختر جوان هندی که در خانه ها و روستاهای هند کار می کنند. اما وقتی برگشت و لیخند ملایمی به من زد، چهره زنی میانسال را دیدم. با شرم و اندوه. فهمیدم که کودو مستخدم خانه نیست. کودو و مادر بیوه اش با یک خانواده پر جمعیت در یک خانه شلوغ زندگی می کردند. همراه خاله ها و دایه ها و خانواده هایشان.

کودو حدود پنجاه سال داشت و هنوز مجرد بود، چهار خواهر و برادرش در گوشه و کنار هند مشغول کار بودند. پدرش سال ها پیش فوت کرده بود. کودو به مرور زمان از پادها رفته بود، او در کارهای طاقت فرسای روزانه غرق شده بود و خانواده کاملاً فراموشش کرده بود. خانواده او را "نمونه مصیبت بار" می خواند، یکی از اعضای خانواده اش به من گفت "گاهی به نظر می رسید کودو اصلاً وجود خارجی ندارد".

ازش پرسیدم چرا مثل دختر بچه ها لباس می پوشی؟ مادرش به جای او جواب داد که "کودو مجرد است و نباید مثل زن های ازدواج کرده لباس بپوشد". خانواده نمی توانست بپذیرد که یک زن می تواند آدم بالغی باشد ولی هنوز ازدواج نکرده باشد،

مالامال از دردی است که درمانش در انقلاب و محو این نظام برده وار می باشد؛ اگر بر این باوریم که زنان در مبارزه برای رهائی استواری و قهرمانیهای نشان داده اند که ذکر آنها حتا در محدوده ی ایران و جنایات رژیم اسلامی در برخورد به زنان، سنگ دل ترین مردان را وادار به سرفرود آوردن در برابر این عظمت مبارزاتی زنان می کند؛ اگر بر این باوریم که زنان به عنوان تداوم بخش حیات جامعه جهانی بشری باشند و کمتر زبانی را می توان در جهان یافت که ترانه های مهر و محبت زنان به فرزندان و بالعکس را سروده نباشند؛ اگر...؛ در چنین صورتی کمونیستهای مرد بایستی با تمام وجود در احترام به استواری اعتقاد، مسئولیت پذیری، صداقت مبارزاتی و توانائی زنان در پیشبرد مبارزات انقلابی، در تلاش برای به گور سپردن اندیشه های مردسالارانه در خود پیوسته گام برداشته و در این راه سترک مبارزاتی از کمک دهی به همزمان مبارز زن کوتاهی نکنند.

در زیر گزارشی که بخش کوچکی از ستمهایی که بر زنان در هندوستان، "بزرگترین دموکراسی جهان"، رومی شود را می آوریم که نمونه ای است از زنده گی تلخ ۴۰ میلیون زنان کارگر و زحمتکش و فقیر طلاق گرفته از شوهرانشان و محدودیتهای عظیم جامعه ی مردسالار که حساسیتی نسبت به این ظلم جهانی ندارد و این معضل آشکار نامرئی جلوه داده می شود! از تمام انسانهای آزادی خواه دعوت می کنیم تجارب و بررسیهای شان در مورد وضعیت زنان در ایران را جهت اطلاع رسانی هرچه بیشتر در نشریه رنجبر به ما بفرستند. با تشکر قبلی.

(هیئت تحریریه رنجبر) [

بیوه های ساکن شهر ورینداوان - آنها توسط خانواده هایشان طرد شده و به اینجا پناه



شاکتی داسی بیوه که توسط پسرانش مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد شاکتی داسی مثال دیگری از زنان مجرد هند است. او بیوه ای شصت و پنج ساله است که در شهر ورینداوان ملاقاتش کردم. ورینداوان شهری مقدس است که بسیاری از زنان بیوه هند برای فرار از زندگی طاقت فرسای خانوادگی‌شان به آن پناه می‌برند. شاکتی در حالیکه اشک از چشمانش جاری است با صدایی گرفته می‌گوید "وقتی شوهرم زنده بود از من مراقبت می کرد. بعد از اینکه او درگذشت، مثل یک بچه یتیم شدم. پسران و عروس‌هایم دیگر برای من ارزشی قائل نبودند و آزارم می‌دادند و حتی کتکم می‌زدند. یک بار که در این دعاها پسرم پای مرا شکست، فهمیدم که دیگر نمی‌توانم در کنار خانواده ام بمانم."

شاکتی مثل خیلی از بیوه‌های شهر ورینداوان که از خانواده‌های فقیر می‌آیند، چیزی برای از دست دادن نداشت. زندگی که او برایش ده‌ها از عمرش را داده قبلا از او گرفته شده بود. او حالا تنها در کلبه محقر شاکای داسی در ورینداوان زندگی می‌کند

وینی سینگ فعال اجتماعی است که در شهر ورینداوان با زنان بیوه کار می‌کند. او می‌گوید دلایل مالی باعث این تنش‌ها بین زنان بیوه و خانواده‌های آنها می‌شود. آنها یک زن بیوه را به چشم یک نان‌خور اضافه می‌بینند که ممکن است روزی ادعای مالکیت بخشی از اموال خانواده را هم بکند. او معتقد است که این مشکلات ریشه عمیقی در فرهنگ هند دارند. وینی می‌گوید "این بیوه‌ها امیدوارند که پس از مرگشان نگذارند جسدشان روی زمین بماند و آتش رو جسد آنها را روشن کنند. پسری که پای تو را می‌شکند، پسری که تو را آنچنان می‌زند که

چگونه دادگاه‌های کند و بدنامی اجتماعی طلاق می‌توانند ناخواسته علیه یک مادر مجرد دست به دست هم دهند. او در یک اتاق محقر با پسر چهار ساله‌اش زندگی می‌کند. کارهای کوچک انجام می‌دهد: از پیش خدمتی در مراسم عروسی تا نظافت خانه‌های مردم. خانواده شوهرش او را نمی‌پذیرفت، و بالاخره شوهر دیپالی او را ترک کرد و به دنبال طلاق رفت. دیپالی می‌گوید شوهرش در سه سالی که از هم جدا هستند هیچ خرجی به او نداده است. تصمیم دیپالی واقعیت جامعه هند را نشان می‌دهد: او می‌گوید حاضر است دوباره به زندگی مشترک برگردد. زندگی با شوهری که مرتب او را کتک می‌زد.

دیپالی می‌گوید "من طلاق نمی‌خواهم، من و پسرم احتیاج به نام یک مرد در زندگی‌مان داریم تا از خفت جامعه دور باشیم. نمی‌خواهم به فرزندم به چشم حرامزاده نگاه کنند."

"من ترجیح می‌دهم با تمام مشکلات این زندگی بسازم تا اینکه مطلقه باشم. اگر طلاق بگیریم، وقتی که پسرم بزرگ شد راجع به مادرش چه فکر خواهد کرد. یک زن خوب که طلاق نمی‌گیرد."

نیمیشا زنی سی ساله و کارمند است. او با تعریف جامعه اش یک "زن خوب" محسوب نمی‌شود. او به تعداد کم اما رو به افزایش زنان هندی تعلق دارد که علیرغم تمام مشکلات اجتماعی و مالی طلاق، از همسرانشان جدا می‌شوند. تصمیم نیمیشا برای طلاق آبروی هر دو خانواده را به خطر انداخت. ولی به تدریج همه شرایط جدید زندگی او را قبول کردند. نیمیشا می‌گوید "مجرد یا مطلقه بودن در هند بسیار سخت است ولی من مجرد بودن را به حضور در یک رابطه زناشویی یک طرفه و آزاردهنده ترجیح می‌دهم."

▶ برای آنها کودو دختر بچه ای بیش نبود. کودو نمونه ای از هزاران دختر هندی است که به دست فراموشی سپرده شده‌اند. مجرد بودن آنها به انتخاب خودشان نبوده، بلکه محصول شرایط یا سرنوشتی است که با یک اتفاق تغییر کرده.

در این جامعه که زن بنا بر سنت، زمانی کامل می‌شود که ازدواج کند- ترجیحا با مردی که والدینش برای او انتخاب می‌کنند- مجرد می‌تواند سخت و غیر قابل تحمل باشد. طبق سر شماری سال ۲۰۰۱ تعداد زنان مجرد، مطلقه و بیوه بالای سی سال در هند حدود ۴۰ میلیون نفر است. این یک تخمین محافظه‌کارانه است.

امروزه بسیاری از دختران هند ازدواج نمی‌کنند و سعی می‌کنند با استقلال از خانواده، مخالفت خود را با این رسوم نشان دهند و مانند کودو به کمک پر منت نزدیکان وابسته نباشند. چهره شهرهای بزرگ هند به سرعت در حال تغییر است و زنان مجرد آرام آرام پذیرفته می‌شوند. اما این روند برای زنانی که هر روز با مشکلات مجرد دست و پنجه نرم می‌کنند به شدت کند و آزار دهنده است. وقتی مجرد یک زن او را تا این حد به حاشیه می‌راند، می‌شود تصور کرد که طلاق چقدر می‌تواند ترسناک باشد. جامعه از طلاق یک ننگ می‌سازد و با آن زندگی زنان را احاطه می‌کند. به ویژه زنان خانه دار که برای گذران زندگی به همسر وابسته‌اند.

داستان اینجا تمام نمی‌شود، وقتی یک زوج از هم جدا می‌شوند، زن برای دریافت سهم عادلانه از خانه و زندگی‌راهی سخت در پیش دارد. حتی تعیین آنچه حق اوست در سیستم بسیار کند دادگاه‌های هند گرفتار می‌شود. دیپالی از ننگ اجتماعی طلاق می‌ترسد. دیپالی بیست و پنج ساله و اهل بمبئی است. او یکی از مثال‌هایی است که نشان می‌دهد





از هر دری، سخنی!

خلاصه ای از مقالاتی که در زیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتاً این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیت تحریریه

۹۰ درصد کارگران ایران قرارداد موقت دارند

معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اصفهان گفت: در سال ۹۲ بیش از ۹۰ درصد نیروها قرار داد موقت داشتند که این مسئله بر کار و بازدهی آن تأثیر قابل توجهی می‌گذارد و باید برای رفع آن اقدام کنیم.

به گزارش تسنیم، سید حسن هفده تن ظهر امروز در گردهمایی مدیران کل اجرایی، معاونین و روسای روابط کار سراسر کشور که در هتل پیروزی اصفهان برگزار شد، اظهار کرد: در شرایطی که کشور دچار رکود و تورم بوده و در برنامه‌سازی و اجرای برنامه دچار محدودیت و بسیاری از شاخص‌های اجتماعی رو به نزول و بعضاً منفی بوده، بدون شک شرایط کار نیز دشواری‌های خاص خودش را دارد اما اگر با هم هماهنگ باشیم و بازنگری مجدد در روابط وزارت کار داشته باشیم، می‌توانیم نیروی کار اعم از کارگر و کار آفرین را به اوج عزت و کرامت برسانیم.

وی با بیان اینکه هزینه حوادث ناشی از کار در کشور ما بسیار بالا بوده، افزود: هزینه‌های این حوادث بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان بر آورد شده که دو سوم درآمد ناشی از هدفمندی یارانه‌ها را شامل می‌شود و رقم این حوادث در سال ۱۳۹۲ هزارها حادثه بوده و ۱۸۰۰ مورد از آن‌ها منجر به فوت شده و ... باید برای کم کردن و به صفر رساندن حوادث ناشی از کار تدبیری اندیشیده شود.

معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با ابراز تاسف از اینکه در سال گذشته نتوانستیم در امر جلب و جذب کار سرمایه‌گذاری کنیم، تصریح کرد: به همین دلیل است که اقتصاد ما کوچک مانده و باید بدانیم که روابط کار و اشتغال تأثیرات متقابل دارند و کارکردهای هر کدام به شدت

▶ مجموعه‌ات می‌شکند، پسری که حاضر است کود گاو در دهان تو بریزد و تو هنوز می‌خواهی پسرت پس از مرگ هیزم روی جسدت را روشن کند. ما باید این طرز تفکر را از بین ببریم."

وینی سینگ فعال اجتماعی می‌گوید طرز فکرها باید عوض شوند

به عنوان زنی مجرد و تنها که در اواخر سال های ۱۹۹۰ در مهمانسرای در پایتخت هند زندگی کرده، دیدم که چگونه جامعه زنان را گاهی با نام حفاظت کنترل و محدود می‌کند. باید قبل از ساعت هفت شب به اتاقت برمی‌گشتی، نمی‌توانستی قبل از ساعت شش صبح مهمانسرا را ترک کنی، نمی‌توانستی مهمان مرد داشته باشی، و سهمیه ای محدود برای شب‌های خارج از مهمانسرا داشتی که برایش اجازه "سرپرست محلی" لازم بود. آن دسته از دوستان من در هند که مجرد بودند هم همین مشکلات را داشتند. پیدا کردن خانه ای برای یک زن مجرد بسیار سخت بود، نگاه بد صاحبخانه و همسایگان همیشه آنها را دنبال می‌کرد و هیچوقت نمی‌توانستند دوست مردی را به خانه شان دعوت کنند. همه چیز در حال تغییر است ولی با روندی بسیار کند. هند جامعه پیچیده ای است که خدایان زن پرستش می‌شوند و با این حال هنوز تبعیض علیه زنان بسیار است.

مصاحبه با زنان هند و روبرویی با مشکلاتشان در ماه های گذشته تجربه ناخوشایندی بود. اگر مجرد هستی، بهتر است ناپدید شوی. اگر مطلقه هستی یا جدا از همسرت زندگی می‌کنی، تمام عمرت را در دشواری می‌گذرانی و به همین دلیل بسیاری از زنان سعی می‌کنند با زندگی نا مطلوب زناشویی شان بسازند و دم نزنند. در بعضی خانواده‌ها حتی تصور بیوه بودن محال است.



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

می‌تواند در حوزه‌های دیگر تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین جای تاسف دارد که در سال ۹۲ بیش از ۹۰ درصد نیروها قرار داد موقت داشتند.

وی گفت: اگر اقتصاد را بزرگ سازی کنیم، بدون شک مشکلات روابط کار به خودی خود حل می‌شود چرا که عرضه نیروی کار و تقاضا دچار تعادل می‌شود. هفده تن خاطرنشان کرد: ما در تراکم تبادل نیروی کار در حوزه آیین نامه‌ها دستاورد خوبی داشتیم اما به همان نسبتی که تراکم قوانین و مقررات بود، افزایش چشم گیر آیین نامه‌ها را هم نیز داشتیم اما با تجزیه و تحلیل می‌بینیم که شاهد کاهش مطلوب حوادث ناشی از کار نبودیم و این مسئله نشان می‌دهد قوانین به تنهایی نمی‌تواند کار کرد مطلوبی داشته باشد. وی گفت: برای مثال اکنون ۲۰۰ هزار دعوی کارگری روی میز قضاوت قرار دارد و علت آن عدم شفاف سازی آمارهای ارائه شده است که سبب بروز خطا در برنامه‌ریزی می‌شویم.

معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیان کرد: متأسفانه در حوزه ستاد مسئولیت سیاست گذاری در حال ورود به پدیده تصدی گری هستیم و در این زمینه دچار غفلت شدیم همچنین یکی از معضلات امروز که به دلیل خطا در فاز نخست هدفمندی یارانه‌ها به وجود آمد، کم شدن سهم مزد کارگران در قیمت تمام شده تولید و قدرت خرید شاغلان و نیروی کار به دو سوم میزان قبلی بوده که سبب کاهش بهره‌وری شده است.

وی با اشاره به اینکه یکی از غفلت‌های مسئولان، غفلت از ظرفیت‌های تشکل‌های کارگری و کارایی بوده، تصریح کرد: اگر از ظرفیت تشکل‌های کارگری استفاده کنیم، می‌توانیم بسیاری از معضلات را حل کنیم. هفده تن خاطرنشان کرد: نگاه صرف حمایتی، ذلیلانه و زبون آفرینی که به نیروی کار داشتیم، سبب شده که ندانیم نیروی کار چه اجازتی می‌تواند داشته باشد و نگذاریم قابلیت‌هایش کشف شود و در یک کلام کمبود، فقدان و کاهش اثر بخشی دستگاه‌های دولتی در اقتصاد مقاومتی بسیار قابل مشاهده است.

وی اظهار کرد: وقتی آسیب‌ها را مرور می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که باید در برنامه‌ها و سیاست‌ها تجدید نظر کنیم و شاه بیت آن بر آینده نگری، پیش‌بینی و پیشگیری بوده بنابراین باید درمان نواقص کنیم برای مثال باید دنبال توانمند سازی کارگر باشیم تا ببینیم کارگر با خلاقیت‌اش چه می‌کند. ▶



معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاطر نشان کرد: ما باید توسعه تشکل‌ها را در دستور کار قرار دهیم و از مداخله و مهندسی کردن در انتخابات تشکل‌ها جلوگیری کرده و بگذاریم تشکل‌های کارگری برتر شکل بگیرد؛ همین طور در اولویت کاری بحث بازرسی کار را با روش جدید داشته باشیم و سهم فساد را در تولید کاهش دهیم که اگر این کار انجام بگیرد سهم مزد تا ۲ یا ۳ برابر افزایش می‌یابد. در ادامه این گردهمایی، «علی مصریان» رییس مرکز تحقیقات وزارت کار گفت: سالانه ۹۰۰ هزار نفر در جهان بر اثر کار با مواد شیمیایی جان خود را از دست می‌دهند. وی افزود: بر اساس اعلام سازمان جهانی کار، سالانه ۳۲۱ هزار نفر بر اثر حوادث شغلی و حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیز بر اثر بیماری‌های شغلی جان خود را از دست می‌دهند.

به گفته این مقام دولتی، هزینه‌های ناشی از حوادث کار در دنیا بیش از دو تریلیون دلار است. همانجا

کلمه ۲۲ مه ۲۰۱۴ - آینه روز ۱ خرداد ۱۳۹۳
[اقرار آقای هفده تن معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به قدری در مورد تجاوز رژیم جمهوری اسلامی در پاپیال کردن حقوق کارگران به نفع سرمایه داران گویا است که گرچه تنها گوشه ای از این تجاوزات را بیان نموده اما به مصداق «مشت نمونه خروار» وضعیت اسفناک کارگران را رژیم به حدی رسانده که اکنون با احساس خطر از خیزش انقلابی کارگران، قصد تخریب در جنبش کارگری ایران دارد که روزی از پای ناپیاسته است و لذا برای نجات رژیم «گرگ در لباس میش» شده است و به انحراف کشاندن حرکت تشکل یابنده کارگران را با لالائی خواندن وقولهای صدتا یک گاز سرمیهد و کارگران ضمن ادامه مبارزه شان به این لالائی ها جواب دندان شکنی باید بدهند. رنجبر]

وزیر نیروی ایران:

اگر مصرف آب مدیریت نشود،

کشاورزی تعطیل می‌شود

پنج شنبه ۲۲ مه ۲۰۱۴ - ۱ خرداد ۱۳۹۳
وزیر نیروی ایران می گوید با هزینه فعلی آب، کشاورزی مقرون به صرفه نیست حمید چیت چیان وزیر نیروی ایران گفته است: اگر مصرف آب را مدیریت نکنیم و جلوی برداشت غیرمجاز از آب های

زیرزمینی را نگیریم «به مرور شاهد پایین رفتن سطح آب، شوری دشت ها، خشکسالی و در نتیجه تعطیلی کشاورزی خواهیم بود.» خبرگزاری دولتی ایران، ایرنا به نقل از آقای چیت چیان نوشته که «با بازده کنونی آبیاری و همچنین هزینه ای که صرف استخراج آب می شود، تولید محصولات کشاورزی در کشور مقرون به صرفه نیست.»

ایران چند سال است که دوره خشکسالی را پشت سر می گذارد و بخش های زیادی از تالاب ها و دریاچه های داخلی نظیر هامون و ارومیه خشک شده است.

گزارش های رسمی نشان می دهد که نیمی از جمعیت ایران با کمبود آب آشامیدنی روبه رو هستند و در صورتی که شهروندان به خصوص در شهرهای بزرگ صرفه جویی نکنند، دولت ناچار خواهد شد در تابستان آب آشامیدنی را در برخی مناطق نظیر شهر تهران جیره بندی کند.

وزارت نیرو به دنبال جدا کردن آب آشامیدنی با آب برای دیگر مصارف نظیر مصارف بهداشتی است و سعی دارد تا از این طریق بتواند مشکل آب آشامیدنی را کمتر کند اما این یک برنامه درازمدت است و به هزینه زیادی نیاز دارد.

وزیر نیرو می گوید که «امیدواریم این طرح را طی چهار سال آینده عملیاتی کرده و یا دست کم زیرساخت مناسب را برای این کار فراهم کنیم.»

برخی کارشناسان خشکسالی، کمبود بارش و عدم مدیریت در استفاده از آب رودخانه ها و احداث بی رویه سدها را از دلایل بروز وضعیت فعلی عنوان کرده اند.

«وزیر نیروی ایران نسبت به مصرف بی رویه هشدار داده و گفته که باید محدودیت بیشتری برای مصرف آب ایجاد کنیم تا در آینده مشکلات بیشتری ایجاد نشود»

سطح آب های زیرزمینی نیز به دلیل استفاده بیش از حد و بی رویه از طریق حفر چاه های عمیق به شدت افت کرده و کشاورزی ایران را با مشکل جدی رو به رو کرده است.

وزیر نیروی ایران هشدار داده که اگر مصرف آب در بخش کشاورزی و مصرف خانگی مدیریت نشود، «مشکلاتی که امروز با آن مواجه هستیم در آینده به مراتب بیشتر و پیچیده تر خواهد شد.»

به گفته آقای چیت چیان، متوسط ارزش افزوده محصولات تولیدی کشاورزی در ایران با مصرف هر مترمکعب آب حدود ۱۰ هزار ریال (۳۰ سنت) است در حالی که این رقم در کشورهای منطقه حدود دو دلار است. وزیر نیرو در عین حال گفته که اگر الگوی

کشت و آبیاری به سمت کشاورزی صنعتی سوق پیدا کند، می توان «ارزش افزوده محصولات کشاورزی را افزایش داد.

آقای چیت چیان در دیدار با محمد احمدی، استاندار فارس و اعضای کمیسیون آب مجلس تاکید کرده که «باید محدودیت هایی در مصرف آب ایجاد کنیم تا در آینده مشکلات بیشتری برای مردم ایجاد نشود.» استاندار فارس در این دیدار گفته که به دلیل سوء مدیریت ها، «بهای که استان فارس برای تبدیل شدن به قطب کشاورزی کشور پرداخت کرد بسیار سنگین بود.»

به گفته استاندار فارس، استفاده از شیوه های سنتی در کشاورزی، افزایش بی رویه سطح زیرکشت و برداشت های بی رویه از سفره های آب زیر زمینی خسارت های جبران ناپذیری به استان فارس وارد کرده است.

لیست محرمانه بدهکاران بانکی

«حمید بقایی» ۳۱۰۰ میلیارد

تومان / «صادق محصولی» ؛

۲۳۷۰ میلیارد تومان

در سایت ها و وبلاگ های مختلفی منتشر شده و منبع اول آن مشخص نیست : حتما خاطراتان هست که در هشت سالی که محمود احمدی نژاد «ریاست دولت» را در ایران بر عهده داشت ، بارها در ملاقاتها، سخنرانی ها و سفرهای استانی اش از وجود لیستی از بدهکاران بانکی سخن می گفت که قسمت عمده ای از منابع بانکها را در اختیار داشته و از پرداخت بدهی های خود به نظام مالی کشور خودداری می کردند!

در مناظرات انتخاباتی سال ۱۳۸۸ نیز بارها در میتینگ ها و مناظراتش از وجود چنین لیستی سخن گفت ، حتی یکی دویار دستهایش را در جیب کناری کتتش فرو برد تا مثلا این لیست را در بیورد و بقول خود آنرا افشا نماید. اما او اینکار را انجام نداد. چرا؟؟ بدینوسیله برای نخستین بار لیست مطالبات معوقه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را در این وبلاگ منتشر میکنم. افشای این لیست به دو دلیل صورت می گیرد:

یک - کمک به وصول مطالبات مردم از دست بدهکاران میلیاردی به بانک مرکزی و در آوردن حربه از دست قوه قضاییه و دولت ایران برای پیگیری نکردن این مطالبات با ذکر «محرمانه بودن» این لیست.

دوم- شناخت دقیق دولت پاک دستان و که از قضا فاسدترین دولت تاریخ این سرزمین لقب گرفت.



تعریف سرمایه گذاری اش را با اضافه کردن ۳۰٪ به تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۲ گسترش داده است.

دفتر آمارگیری ملی انگلیس اعلام نمود فروش سگس ۳.۵ میلیارد لیره به ت.ن.د. ۲۰۰۹ خواهد افزود و مواد مخدر غیرقانونی ۴.۴ میلیارد لیره.

...ارزیابی شده که در انگلستان ۶۰۸۷۹ تن فروش تقریباً هریک ۲۵ مشتری در هر هفته در سال ۲۰۰۹ داشته اند، با بهای متوسط ۱۶.۶۷ لیره. همچنین در انگلیس ۳۸۰۰۰ نفر مصرف کننده هروئین بودند و فروش مواد در خیابان ۳۷ لیره برای هر گرم بود.

در مجموع با تغییرات بوجود آمده ۳۳ میلیارد لیره و یا ۳.۲٪ به سطح ت.ن.د. اضافه شده است. برای سالهای بعد هنوز محاسبه نشده است و استاندارد در اتحادیه اروپا تا ماه ژوئن اعلام خواهد شد. محاسبات دیگری برای مخارج خانواده و از جمله کمکهایی خیریه ۲۴ میلیارد لیره و یا ۷.۱٪ به ت.ن.د. ۲۰۰۹ اضافه می شود. کسانیکه برای خودخانه ساخته اند ۴ میلیارد لیره یا ۳.۰٪ در ت.ن.د. ۲۰۰۹ می شود.

جو گریس رئیس مشاور اقتصادی در ONS گفت: «با رشد و کامل شدن اقتصادی، آمار باید استفاده و اندازه گیری آنها رابه کاربرد.»

در شرایطی که نظام سرمایه داری دچار بحران سختی شده است، این گونه محاسبات ربطی به حل بحران نداشته و چرا به محاسبه ی پولهای که از کشور به بهشت مالیاتی انتقال داده می شود و درآمدهای ناشی از آن در محاسبه ت.ن.د. در نظر گرفته نمی شود را نویسنده مسکوت گذاشته است؟ رنجبر]



منصور، هنوز دیر نشده، از صف کارگران جدا نشو!!!

با خبر شدیم در یک برنامه تلویزیونی که گفته می شود صاحبان آن مرتبط به تشکیلات پهلوی هستند، مبلغ قابل توجهی کمک مالی به اسانلو واگذار شده است تا ایشان در میان فعالین کارگری تقسیم کنند. ما که به خوبی می دانیم حتی یک ریال از این پول ها نتیجه دست رنج صاحبان آن ها نبوده، بلکه برعکس، نتیجه استثمار امثال ما کارگران است، بسیار ناراحت کننده است که چرا منصور اسانلو نه تنها از دریافت آن امتناع نکرد بلکه با شوق زدگی

بنیادها که از جمله زیردست خامنه ای با محاسبه سرانگشتی با دارائی نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار و این که از این ثروت و اموال عمومی و درآمدهای این نهادها یک پول سیاه هم به عنوان مالیات به دولت پرداخت نمی شود ولی پول شرکت بیمه کارگران که با دادن خون شان در میدانهای کارپول بیمه شان را داده و توسط افراد آدمکشی نظیر سعید مرتضوی بالا کشیده شده و به کارگران بازنشسته در انجام درمان کمکی نمی شود، نشان از عمق پستی، بی وجدانی و مفت خوری سران رژیم را دارد که فعلاً پرونده آنها رو نمی شود و روزی که توسط دولت کارگری روشود مردم ساده دلی که به جماعت روحانی دل بسته اند، خواهند فهمید که تا چه حد این جماعت رذل و فریبکار کلاه گشادی بر سر آنان گذاشته و بدین منظور تاجه حد پدران، مادران و فرزندان آنها را در زیر سحت ترین و ضدانسانی ترین شکنجه ها جان عزیزشان را گرفته اند. بنابراین روکردن لیست تعدادی از افرادی که میلیاردها تومان پول از بانک قرض کرده و پس نداده اند کافی نیست. باید به سراغ بررسی نهادها و بنیادها که بیش از ۶۰٪ فعالیتهای اقتصادی را در ایران به عهده دارند و بخش مهمی از آنها هم زیر کنترل خامنه ای و امثالهم است نیز باید رفت. رنجبر]

سگس، مواد مخدر و تولید ناخالص داخلی (ت.ن.د.): ۱۰ میلیارد لیره انگلیس بهبود در محاسباتش سارا دو کورنر - لندن تایمز مالی، ۳۰ مه ۲۰۱۴

دلایان تن فروشی و مواد مخدر باید ۱۰ میلیارد لیره به بریتانیا جهت بهبود اقدامات اقتصادی اش بدهند.

بریتانی دیروز گفت که شاید تن فروشی و مواد مخدر غیرقانونی را در محاسبات ملی برای اولین بار بیاورد. این حرکت بخشی از چندین طرح تغییراتی از سپتامبر می باشد که ۵٪ تولید ناخالص داخلی انگلیس را افزایش خواهد داد...

انگلستان تنها کشوری نیست که این اقدام را به مثابه نتیجه ی استانداردهای جدید بین المللی است که در اروپا پذیرفته شده است.

هفته گذشته دفتر آمارگیری ایتالیا اعلام داشت که شروع به در نظر گرفتن فروش کوکائین و خدمات سگسی همراه دیگر فعالیتهای می نماید. و در سال گذشته آمریکا

مقدار بدهی افراد به سیستم بانکی و بخشی از ۷۰ میلیارد دلاری که در طی ۸ سال دولت آقای احمدی نژاد به خزانه واریز نشد:

- آقای «محمد شریف ملک زاده» و شرکت تحت مدیریت وی بنام «شرکت رنوس»؛ ۶۰۰۰ میلیارد تومان

- آقای «آرمین محمدی»؛ شاگرد کامپیوتر فروشی که به وارد کننده آلومینیوم تحت نام «هولدینگ یاس» تبدیل شد؛ ۶۰۰۰ میلیارد تومان

- آقای «مجتبی خوشرو»؛ شریک آقای «آرمین محمدی» سازنده برج در کامرانیه؛ ۴۰۰۰ میلیارد تومان

- آقای «بابک زنجانی»؛ ۷۰۰۰ میلیارد تومان - آقایان «امیر منصور آریا»، «خاوری» و دار و دسته؛ ۳۰۰۰ میلیارد تومان

- آقای «حمید بقایی»؛ معاون سابق رییس جمهور ایران؛ ۳۱۰۰ میلیارد تومان

- آقای «اسفندیار رحیم مشایی» از محل کمیسیونهای مختلف معاملات دولتی

(مسکن مهر گرفته تا قراردادهای نفتی)؛ ۸۹۰۰ میلیارد تومان

- دانشگاه ایرانیان متعلق به «محمود احمدی نژاد»؛ ۱۲۰۰ میلیارد تومان

- آقای «سعید مرتضوی» در زمان تصدی ریاست سازمان تامین اجتماعی؛ ۱۳۴۰ میلیارد تومان

- آقای «صادق محصولی»؛ ۲۳۷۰ میلیارد تومان

- معاون وقت بانک مرکزی؛ ۱۳۰۰ میلیارد تومان

- محمدرضا رحیمی «معاون اول احمدی نژاد» در اختلاس از شرکت بیمه؛ ۱۴۰۰ میلیارد تومان

- آقای پوستین دوز مدیرعامل سابق شرکت سایپا که در هنگام خروج از مرز دستگیر شد؛ ۲۵۰۰ میلیارد تومان

- آقای بهزاد ظهیری مدیر عامل اسبق ایساکو که مدتی در اوین بود و آزاد شد؛ ۳۰۰ میلیارد تومان

و ۴۵ نفر دیگر جمعاً به مجموع ۵۶ هزار میلیارد تومان. (بیک ایران- ۱۹ خرداد ۱۳۹۳)

بعد از سالها این دست و آن دست کردنها در علنی ساختن لیست افرادی که میلیاردها تومان از بانک ها و غیره پول گرفته و عملاً آنها را بالا کشیده اند و این در مقابل پولهایی که در دست انواع و اقسام



با قدردانی از کمهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضای وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

از نامه های رسیده

با سلام
می خواستم پیشنهاد کنم که نشریه با دقت بیشتری آماده شود و قبل از انتشار عمومی آن، چند نفر آنرا بررسی کنند. متأسفانه اشتباهاتی که در فایل نهایی موجودند زیاد هستند. مثلاً در پایین صفحه ۲ نشریه ۱۰۹ با حروف درشت نوشته شده «تضاد منافع حاکمان ضرورت تشدید مبارزه کارگران و زحمتکشان با آنها» که بی معنی است. حتی اگر این جمله را اینطور معنی کنیم که تضاد منافع حاکمان با کارگران و زحمتکشان، تشدید مبارزه با آنها را به امری ضروری تبدیل می کند، این چیزی بدیهی است و نیازی نیست با حروف درشت درج شود. یا بدتر از آن، در پایین صفحه ۴ نوشته شده است «با سرنگونی نظام سرمایه داری نجات جان کارگران تقلیل می یابد». نیازی نیست که بگوییم این جمله چقدر اشتباه است. اگر خواستید من می توانم مقالات را قبل از انتشار مرور کنم و علاوه بر اصلاح اشتباهات نوشتاری، سعی کنم از نظر محتوی نیز به بهبود آن کمک کنم. در مورد نشست مشترک، به نظر من تشکیل کارگروههای خاص برای فعالیت،

برای فریب کارگران چنین مسئولیتی را داده است. اما منصور اسانلو با پس داد این پول می تواند هنوز در طبقه کارگر به عنوان فعال کارگری جایگاه خود را حفظ کند، اگر پس ندهد یعنی خدمت کاری سرمایه داری را پذیرفته است.

به همین دلیل و به این وسیله اعلام می داریم که نه تا کنون به ریالی از این نوع پول های آلوده نیازمند بوده ایم و نه فعالیت مستقل مان اجازه می دهد از این پس به آن نیازمند باشیم. همچنین به سایر فعالین کارگری هشدار می دهیم که از دریافت چنین پول هایی امتناع ورزند، چرا که قبول چنین پول های آلوده بطور خود کار در یافت کننده را از صف کارگری جدا کرده، به صف دشمنان کارگران متصل می کند.

بنا بر این به منصور اسانلو نیز توصیه می کنیم، پول های دریافتی مذکور را پس داده و خود را بیش از این از صفوف جنبش کارگری جدا نکند.

اگر فعالین واقعی کارگری قصد آلوده شدن با این پول ها را داشتند به جای مبارزه تن به سازش طبقاتی می دادند زجر زندان را متحمل نمی شدند، و زندگی آن ها این قدر با سختی و مشقت مالی سپری نمی شد.

ما منتظر شنیدن خبر پس دادن این پول توسط منصور اسانلو در اسراع وقت و اعلام علنی تقابل او با گرایش های خارج از طبقه و دشمن طبقه کارگر هستیم، تا بتوانیم دوستی و اتحاد طبقاتی خود را مانند سابق حفظ کنیم، اگر منصور اسانلو در پس دادن پول های فوق کوتاهی و تعلل کند به این معناست که می خواهد آگاهانه از طبقه کارگر جدا شده و به خدمت سرمایه داران، کارفرمایان و دولت های سرمایه داری بپردازد.

شاهرخ زمانی از زندان گوهر دشت کرج
رضا شهابی از زندان گوهر دشت کرج
محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز
تاریخ: ۱۳۹۳/۳/۱۵

[تلاش این رفقای کارگر زندانی در هشدار به اسانلو از این جهت آموزنده است که در جهت تصحیح خط غلط وی می باشد. ولی به قول انگلس کسی که گامش را در یک سرازیری تند ی بگذارد، ادامه حرکتش جز فرو رفتن و سرنگونی کامل در آن منجلا ب نخواهد بود و عمل کمک گیری از سرمایه داران تنها بخشی از فعالیتهای رفرمیستی وی در ادامه کارش می باشد و در همان "دوران طلایی" وی کارش را در خط رفرمیستی پیش می برد. رنجبر]

جملاتی در وصف آشتی طبقاتی بیان کرد. از نظر ما این می تواند به معنی پروسه سازش با دشمنان طبقاتی کارگران باشد، مراحل قبلی آن را عمدتاً به صورت اتخاذ تاکتیک ها و روش های فعالیت و برنامه ای و همچنین نظرات سیاسی منعکس می کرد، اما اکنون با نشستن پشت میز آشتی طبقاتی و دریافت مبالغی که معنایی به جز تثبیت این آشتی طبقاتی ندارد، می رود تا نقطه پایانی بر پروسه سازش طبقاتی را، نمایان کند. ما کارگران زندانی علیرغم عدم دسترسی به منبع درآمد، صد بار ترجیح می دهیم وضعیت نابسامان مالی خود و خانواده خود را تحمل کنیم، اما از پذیرش چنین پول های که آلوده به خون کارگران است و برای منحرف کردن مبارزات جنبش کارگری و تفرقه افکنی میان کارگران خرج می شود امتناع می کنیم.

ما وقتی که از جنبش مستقل کارگری حرف می زنیم به این معنی است که نه تنها می خواهیم استقلال را در سیاست کارگری و تشکیلات کارگری حفظ کنیم، بلکه به خصوص می خواهیم از نظر مالی مستقل و متکی به هم طبقه ای های خود باشیم. ما می دانیم سرمایه داران میلیارد ها، میلیارد تومان از استثمار کارگران سود به جیب می زنند، در پروسه چنین سازش های بخش بسیار نا چیزی از آن را با برنامه ریزی دقیق برای تفرقه اندازی و گسترش پراکندگی میان کارگران و فعالین کارگری هزینه می کنند و از طریق این پول های آلوده کارگران را تابع شرایط غیر انسانی موجود نگه می دارند، نتیجه این گونه سازش ها ادامه گرسنگی، سلطه سرمایه داران و فقر و فلاکت دائمی برای ما کارگران است، خصلت ذاتی سرمایه داران این است، هر ریالی که هزینه می کنند به عنوان سرمایه گذاری به حساب آورده و می خواهند هزاران ریال از قبل آن سود ببرند. در حال حاضر سرمایه داران و دولت های حامی آنها از پولی که می خواهند از طریق منصور اسانلو به کارگران یا فعالین کارگری بدهند این است که در دوره بحرانی جمهوری اسلامی به کارگران بگویند که مبارزه طبقاتی وجود ندارد، (و ما) یعنی سرمایه داران کارگران را استثمار نمی کنیم، و هیچ اختلافی میان کارفرماها و کارگران وجود ندارد، هر گاه چنین فکری را کارگران بپذیرند مبارزه منحرف شده و بقای سرمایه داری تضمین خواهد شد، یعنی سازش طبقاتی اتفاق خواهد افتاد، و امروز بخشی از سرمایه داری به منصور اسانلو





امری بسیار مثبت است و اتحاد را از روی کاغذ به میدان عمل می‌کشد. امیدوارم که هر کدام از شرکت‌کنندگان کار گروهی را مقدم بر کار منفرد تشکل خود بدانند تا از طریق عمل مشترک، هم کمیت و هم کیفیت مبارزات ارتقاء پیدا کنند و در دراز مدت زمینه برای فعالیت تحت رهبری حزبی واحد آماده شود.

موفق باشید
دوست و رفیق گرامی سلام و با تشکر از انتقادی که از دو شعار شماره ۱۰۹ رنجبر و مسئله وحدت کرده‌اید.

راجع به شعار اول شاید دقیقتر می‌شد فرموله کرد. ولی به وجود آمدن تضاد و تفرقه هرچه زیادتیر بهتر در صف حاکمان باعث تضعیف نیروی ارتجاع می‌شود و باید از این فرصت برای تقویت صف کارگران و زحمت‌کشان سود جست. شما حتما موافق هستید که اگر حاکمان از وحدت درونی استواری برخوردار باشند مبارزه کارگران علیه آنان مشکلتر پیش خواهد رفت

در مورد شعار دوم شما موافق هستید که همیشه تدابیر پیشگیری مثلا مرض یا حادثه کمک موثری به کم شدن آنها می‌کند. در نظام سرمایه‌داری به منظور به دست آوردن سود هرچه بیشتر تدابیر لازم در میدانهای کار مثلا در معدنها در داربست ساختمانها و غیره که لازمه اش خرج کردن برای ایجاد استحکام بیشتر محیط کار در برابر خطرات می‌باشند توجه نمی‌شود. ولی دولت کارگری موظف است برای حفظ جان کارگران این تدابیر را جدی بگیرد و با جدی گرفتن آن طبعا کارگران کمتری نیازمند به نجات از حادثه می‌باشند ولی اینجا نیز محدودیت جای شعار باعث شده روشنی کافی شعار نداشته باشد

و بالاخره در رابطه با وحدت: کمونیستها به اهمیت و ضرورت آن تا بدانجا معتقدند که با شعار "کارگران تمامی کشورها متحد شوید" مانیفست حزب کمونیست را به پایان رساندند. ولی وحدت به هر قیمتی کار را به خرابی می‌کشاند. از جمله در این نشست عده ای خود را کمونیست میدانند ولی از تئوری کمونیسم در مورد بسیاری از مسایل جدی مبارزه طبقاتی عدول کرده و تجدیدنظر در اصول کمونیسم نموده‌اند. وقتی که ما می‌بینیم اینها کوچکترین تمایلی به کنار گذاشتن نظرات ارتجاعی خود ندارند و خود را کمونیست هم می‌دانند با تلاش برای وحدت با آنان، ما کارگران و زحمت‌کشان و به ویژه پیشروان آنان را به وحدت غیراصولی دعوت می‌کنیم که التقاطی

است و در این دوران و امصیبتا مبلغ التقاط‌گری می‌شویم. ما از ابتدا که در تشکیل این نشست شرکت داشتیم تاکید کردیم که بیابید روی اصول کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک پرولتری متحد شویم و ۳ سال هم در این نشست به کار ادامه دادیم ولی بار دیگر به ما ثابت شد که نظرات انحرافی خرده بورژوازی و بورژوازی چپ ایران دارد که به سادگی آنها حاضر به دست برداشتن از آنها نیستند و ادامه کار با آنها سرفرود آوردن در برابر رویزونیستها می‌باشد. به همین علت ترجیح دادیم با کارگران کمونیست در ایران هم صدا بشویم تا با جریان منحرف خارج کشوری. موفق باشید



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

در جبهه جهانی کمونیستی ... بقیه از صفحه آخر

بوروکراتیک" دولت کارگری را در نظر گرفت (همان جا، ص. ۲۴). استالین در اثرش "در مورد مسائل سوسیالیسم" اعلام کرد: «که حزب باید به طور دقیقی به خواست توده‌ها؛ به غریزه‌ی انقلابی توده‌ها توجه داشته باشد؛ که باید عمل مبارزاتی توده‌ها را مطالعه کند و بر این اساس صحت سیاست خودش را بیازماید؛ که در نتیجه، نه تنها به توده‌ها بیاموزد، بلکه هم چنین از آنها بیاموزد.» (استالین - آثار، جلد ۹، ص. ۴۶) در عین حال، او در مورد هدایت سیاسی طبقه کارگر، "دیکتاتوری پرولتاریا" و "دیکتاتوری حزب"، هشدار داد که نباید دچار آشفته‌گی شد، چون که

«خطر خودبین شدن یکی از جدی‌ترین خطرهای برای حزب در وظیفه‌اش در هدایت درست توده‌ها می‌باشد.» (همان جا، ص. ۶۴) مبارزه برای وضعیت فراجزبی راستین در خود - سازمانیابی زنان

طریقی که سازمانهای توده‌ای باید خود را طبق مصوبه "تحت نقش رهبری کننده حزب کمونیست" قرار دهند، به وسیله‌ی پلیسی رویزونیستها فاسد بوروکرات سرمایه‌دار تبدیل شدند، یکی از زنده‌ترین جوانب استقرار مجدد سرمایه‌داری در کشورهای سابقا سوسیالیست بود. پیروزی رویزونیسم مرکزیت - دموکراتیک جامعه سوسیالیستی را به مرکزیت - بوروکراتیک متحجر در برگرفته روابط استثمارگری جدید بین توده‌ها و بوروکراسی حاکم در رهبری مرکزی حزب، دولت و اقتصاد تغییر داد.

حتا قبل از از بین بردن سوسیالیسم در اتحاد شوروی، و در ابتدای ساختمان سوسیالیستی در جمهوری دموکراتیک آلمان، با بوروکراسی خروشچف مرتد، روشهای بوروکراتیک مرکزیت یافته رهبری به طور فزاینده‌ای پیش کشیده شد. بیان علنی انتقادات از عمل کرده‌های اس.ا.د.

را می‌توان در میان سایر چیزها خواند: «چه گونه ما می‌بایست نقش رهبری کننده حزب را در سازمانهای توده‌ای به انجام برسانیم؟ اکثر رفقا این را به طور مطلقا احساسی موقعیتهای رهبری کننده سازمانهای توده‌ای، زیرمجموعه‌های سیاسی و اداری توسط رفقای حزبی می‌فهمند... موضعی نادرست نسبت به نقش حزب که باعث اشتباه پی‌درپی حزب می‌شود. به جای متقاعد کردن مردم، ما دستور صادر می‌کنیم. این طبعا راحت تر است.»



► (اخبار آلمان، ۲۴ ژوئن ۱۹۴۹) برخوردار صوری به موقعیت فراحزبی جمعیت دموکراتیک زنان آلمان (د.ز.آ.) مورد توافق رهبران اس.ا.د. بود. مقاله ای از "شورای زنان آلمان" در این مورد نسبتاً افشا گرانه است:

« وقتی که پایه گذاران با نفوذ د.ز.آ. بازنشسته از بخش رهبری سازمان بین سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ شدند و جای خالی آنها را اعضای اس.ا.د. پرکردند راه برای ادغام د.ز.آ. در نظام سیاسی ج.د.ر. باز شد. اس.ا.د. نفوذش را در تصمیمات مهم انجمن زنان با اکثریت حداقل ۵۰ یا ۶۰٪ در کمیته های اجرائی تامین نمود. این روند در ششمین کنگره ملی در دسامبر ۱۹۵۷ نهایتاً تکمیل شد. پذیرش نقش رهبری کننده اس.ا.د. در اساسنامه د.ز.آ. و تصریح ساختارهای سازمانی و اصول برگرفته از اس.ا.د. تا نوامبر ۱۹۸۹ تعیین کننده خصوصیت‌های آن باقی ماندند.» (شورای زنان آلمان، "طریق ویژه اطلاع رسانی به زنان"، ۱۹۹۱، صص. ۷-۸؛ تأکیدات از ما است - ناشران راه انقلابی)

ویلی دیکهوت این توضیح متکی بر تجربه خودش و زنش لوتیز را تأیید نمود: «جمعیت دموکراتیک زنان آلمان» تاسیس یافته در ۱۹۴۶ نه دموکراتیک بود و نه فراحزبی. رهبری اس.ا.د. نه تنها سیاستهای آن، بلکه همچنین ترکیب اعضای رهبری آن را تعیین می کرد. در آلمان غربی هم وضع به همین گونه بود. تجربه تلخی که لوتیز مجبور به انجام آن در کارش داشت کنترل از مرکز "جنبش صلح زنان آلمان غربی" در راین - وستفالی شمالی بود که خصلت غیردموکراتیک آن را نشان می دهد.» (نامه به کمیته مرکزی ام.ال.پ.د. - ۲۸ مارس ۱۹۹۱)

برای ام.ال.پ.د. لازم آمد تا از این تجربه منفی نتایج اساسی بگیرد. ام.ال.پ.د. تلاشهایش را در ساختمان سازمان مارکسیست - لنینیست زنان به نفع حمایت از ساختن یک سازمان زنان فراحزبی واقعی تصحیح کرد.

تجربه در تولید صنعتی مدرن، سطح آموزشی و تربیتی و بالارفتن نارضایتی بین توده ها و پایه های مادی برای تلاش خودبه خودی توده ها به خود سازمانیابی و مستقل از قیمومت بوروکراتیک و ریاست گرایی احزاب انحصارات می باشند. سهم زنان در عضویت در اتحادیه ها ۳۱٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت. در اعتصابات بزرگ کارگران، از جمله مبارزه کارگران فلزکار

در اروپا واقع در دیسبورگ - راینهولزن یا در مبارزه کارگران معدن هوکلهوون، کمیته های زنان در دفاع از اعتصاب کننده گان تشکیل شد.

بسیاری از مردم امروز گام خود سازمان یابی را برمی دارند چون که متوجه شده اند که خود باید دست به کار شوند. اما در تفکراتشان آنها هنوز هم وابسته به افکار و برنامه های احزاب انحصارات می باشند. آنها اغلب درکی از این کار در سیاستمدار شدن دارند - به خصوص آنانی که در اس.پ.د. اند - دستهای خود را تکان بدهند و موافق مسئولیتهای خود در رای دادنها می باشند. اگر فشار فعالیت آنها در وادار کردن سیاستمداران بورژوا به بیان مسائل توده ها ظاهر شود، اینان دوباره متمایل به صرف نظر کردن از مسائل خودشان می شوند. این جایی است که وظیفه خودسازماندهی فراحزبی شروع می شود.

کوراژ به مثابه انجمن زنان حقیقتاً فراحزبی در سال ۱۹۹۱ تشکیل شد. این سازمان سه "حرکت تعیین کننده" خصلت نمائی انجام داد: (۱) خصلت واقعا فراحزبی؛ (۲) دموکراسی وسیع و (۳) استقلال مالی. در ۱۹۹۴ حرکت تعیین کننده دیگری اضافه شد - انترناسیونالیسم: "ارتباط جهانی زنان". از تعداد اندکی از گروههای زنان، انجمن در ۴ سال با تجمع ۶۵ گروه با ۶۵۰ عضو در سراسر آلمان رشد کرد. این انجمن زنان کارگر وزنانی از خرده - بورژوازی متوسط را متحد نمود. این جوابی بود به بحرانی که فمینیسم خرده - بورژوائی دچار آن شده بود.

فعالیت توده ها زیر مسئولیت خودشان شامل همکاری افراد با جهان بینی و وابسته گی های حزبی مختلف و بحثهای ایده ئولوژیک - سیاسی بایدآزادانه صورت گیرد. خودسازمان یابی فراحزبی، مع الوصف تنها در مبارزه علیه نقش فاسد و سازمان شکنی شیوه تفکر خرده - بورژوائی، که در فکر جای گزین کردن خود سازمانیابی با خودحرکتی خرده - بورژوائی است که در آن تصور فردی، مطلوب نشان دادن افراد و گروهها، بی توجهی به تصمیمات مشترک و غیره حاکم قادر به رشد کردن می شود. فمینیسم خرده - بورژوائی تظاهر اصلی شیوه تفکر خرده - بورژوائی در جنبش زنان می باشد. برجسته ترین خصوصیت‌هایش عبارتند از:

- خرده - بورژوا خواست رهبری بر "انسانها" را دارد؛
- سکتاریسم و دشمنی با توده ها؛
- نفی مسئله طبقاتی، پایه تعیین کننده برای

تحقق برابری بین مرد و زن؛

- دید تنگ نظرانه در توجه ویژه به "راه حل زنان" نظیر خانواده، تربیت کودکان و جنسیت؛

- "راه حل‌های" ظاهری در مورد تبعیض علیه زنان نظیر سهمیه بندی، کنار گذاشتن مردان، یا خلق کلمات جدید؛

- تشویق حفظ ضدکمونیسم و کنار گذاشتن ام.ال.پ.د.؛

- پخش روش نفی گرایانه عدم اعتماد، ترس و غیره؛

- توهامات رفرمیستی و رویزیونیستی در مورد نظم اجتماعی سرمایه داری.

بر پایه تجربه به دست آمده از شرکت در انجمن کوراژ زنان، ما می توانیم خصوصیات عمده بین کاراقتاعی مارکسیست - لنینیستی و حمایت سازمانهای خودسازمان یافته فراحزبی را به طریق زیر عمومیت دهیم:

۱- خود سازمانیابی تنها بر پایه مبارزه اقتصادی، سیاسی و حقوق فرهنگی توده ها می تواند رشد کند.

۲- بدین منظور یک برنامه مثبت برای برای حل مسائل اجتماعی با هزینه سرمایه انحصاری لازم است.

۳- فعالیت سازمان خودگردان باید شامل تمامی اندیشه ها، احساسها و اعمال مردم در حال یادگیری و مبارزه مشترک؛ کمک و مشورت متقابل؛ فرهنگ هم بسته گی در شادیها و در اندوه های مشترک گردد.

۴- رسیدن به تمامی تصمیمات با وسایل دموکراتیک و با توافق همه گانی نه تنها نیازمند ساختارهای شفاف دموکراتیک بلکه هم چنین پیشنهادات، نقشه ها و طرحهای مثبت مثل اعلام کامل مربوط به نظرات مختلف می باشد.

۵- خود عمل کرد توده ها تنها زمانی رشد می کند که توده ها مسئولیت کامل در تصمیم گیری و اجرای وظایفی که گرفته شده داشته باشند. این تنها راه یادگیری اتخاذ چه گونه گی سیاستها و کنترل روی سیاست در دستها و بالابردن اعتماد به خود است که پایه اصلی خود رهائی توده ها می باشد.

۶- نیروهای فعال هرچه بیشتر در خود سازماندهی - نیروهای با دیدگاههای مختلف، با یا بدون وابسته گیهای حزبی، از ملیتها، وضع طبقاتی، اشتغال و غیره مختلف - فعال باشند، فراخوان حزبی ماورای مشی حزبی و با استحکام اجتماعی بزرگتر خود روبه رو می شود. ولی خواست از مارکسیست - لنینیستها آن گاه بیشتر برای تحقق و در رابطه فشرده با جنبش



کارگری و متقاعد کردن مردم است در این که سوسیالیسم حقیقی تنها آلترناتیو اجتماعی می باشد.

۷- **مبارزه علیه نفوذ رفرمیستی و رویزیونیستی** و علیه فینینسم سکتاریستی خرده - بورژوائی بایستی پیوسته از طریق مشخصی برپایه تجربه خودمردم در روند یادگیری جمعی درحال انجام صورت گیرد. ۸- آن چه که به نیروهای خرده - بورژوا پذیرش تدریجی تفکر پرولتاریائی را تسهیل می کند، تنها جدائی بیشتر از نظرات و عمل کردهای خرده - بورژوائی، نیست بلکه کمک موثر به **انتقاد و انتقاد از خود**، هم گام با پیشنهادات سازنده می باشد.

۹- مارکسیست - لنینیستها باید مهارت در ساختن و ترقی دادن دقیقاً آن ابتکارات توده ها بیابند که پیشنهاد خود رهائی و ایجاد یک **روابط اعتماد متقابل** بین حزب مارکسیست - لنینیست و این سازمانهای خود - سازمانده فراحزبی تحقق پذیرد.

سازمانهای خود - سازمانده فراحزبی به مثابه یک نیروی سیاسی قدرتمند در مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم برای خود - رهائی می تواند منتج از تحقق این خصوصیتها باشد. تاثیر بسیجی و کششی آنها دقیقاً مبتنی است بر این واقعیت که خود توده ها در جریان فعالیتهای سیاسی و فرهنگی و در زنده گی شخصی و اجتماعی مربوط به مزد و مبارزه با شیوه تفکر پرولتری خود - رهائی می آموزند.

شرایط تغییر یافته برای کارسازنده در اتحادیه ها

اتحادیه ها به خاطر ترکیب پرولتاریائی، اما هم چنین خصلت توده ای شان، با میلیونها عضو بدون شک مهم ترین شکل خود - سازمانی توده ها می باشند. لازم و ممکن است که توده ها را در مبارزه شان به مثابه طبقه و اعضای اتحادیه متقاعد نمود. در **درجه اول**، این شامل مبارزه ایده نولوژیک - سیاسی در مورد شیوه تفکر می شود.

شرایط برای این **وظیفه اساسی کارسازنده در اتحادیه ها** به خاطر سیاست جدید همکاری طبقاتی بین انحصارات و بوروکراسی سندیکائی دست راستی تغییر کرده است. اگر تا به حال خصلت رفرمیستی سندیکاها از طریق تلاش برای پیشبرد ملایم تضادها در مورد شرایط بالا یا پائین بردن مزدکار در پائین ترین سطح صورت می گرفت، بدون این که خود نظام مزد گیری زیر سؤال برده شود. اکنون، بوروکراسی رفرمیست سندیکائی مایل است به طور فعالی از این به بعد در پیش بردن

استادانه تولید سرمایه داری به مثابه خود اداره کننده "عقلانی تر" مداخله کند. در این رابطه، در یک سند پایه ای سیاست هیئت وسیع اجرائی اتحادیه فلزکاران IG Metal (۵) در مورد سمت گیری جدید سیاست آموزشی اتحادیه ای تزه های زیر را پیش کشید:

۱- رد آگاهانه ی مبارزه برای آلترناتیو اجتماعی به جای سرمایه داری، چون که سوسیالیسم به مثابه راه غلط ادعائی خود را نشان داد.

۲- ادعای از بین رفتن ساختار طبقاتی و تقابل طبقاتی بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار تاکنون موجود در مبارزه بین "فاعل خلق کننده ارزشها" (کارفرما و همکار کارفرما) و وضعیت بغرنج تولید جهانی شده.

۳- "روند موثر شرایط تاثیر گذار کار و تولید" در تولید با صرفه، که از طریق جهت گیری کامل به سوددهی می تواند پایان گرفته به "جامعه انسانی تر" منتهی شود. مبارزه طبقاتی بدین منظور پذیرفته نخواهد شد؛ "خیال پروری و خلافت" ضرورتی بسیار بزرگ تر خواهند یافت.

۴- جهت گیری مبارزه سندیکائی نه در مورد "منافع انتزاعی" به اصطلاح "مزد و حقوق کارگران" بلکه روی احتیاجات "ویژه محبیطی"، شرایط کارخانه، منطقه، محل ویژه و غیره خواهد بود.

۵- توانائی اعضای سندیکا در جهت گیری "مستقل" شان در مورد نیازهای "کارمند مدرن" در چهارچوب همکار مدیریتی.

اینها **خطوط اساسی شیوه تفکر خرده - بورژوائی** هستند، به گونه ای که امروز در میان توده های عضو سندیکاها توسط رهبران رفرمیست سندیکاها پخش می شوند: - سازش با سرمایه انحصاری در تلاش برای سود و قدرت، **شکست پذیری و تخریب خودباوری** در مبارزه برای منافع کارگران؛ - **طرده بدبینی و خود داری از صحبت** در مورد سوسیالیسم حقیقی و جنبش انقلابی کارگری؛

- **همکاری طبقاتی تحت همکاری مدیریتی** به مثابه توهم بهبود تدریجی شرایط کار و زنده گی به عنوان یک آلترناتیو ادعائی مبارزه طبقاتی؛

- **انحلال سندیکاها به مثابه سازمانهای مبارزه کارگران و کارمندان** جهت بهبود مزد و شرایط کار؛

- **اطاعت از ادعای سرمایه داران انحصار**

(۵) - کلاوس درا و هارموت تولل. "انسان ها در مرکز تضاد منافع"؛ دن: سیاست موجود کارخانه ای. شماره ۱. ۱۹۹۵

طلب در تلاششان در بازار جهانی رقابت بین المللی برای کسب بزرگ ترین سهم فروش و سود در بازار جهانی.

ضعف استراتژیکی سیاست همکار مدیریتی در این است که هدف واقعی اش استحکام و حفظ نظام سود دهی می باشد. تضاد طبقاتی محومنی شود بلکه شدت می یابد. هرچه زودتر طبقه کارگر بازی ظریف جدید رفرمیسم را دریابد، زودتر خیزش تهاجمی طبقه کارگر شروع خواهد شد. لازم است که مارکسیست - لنینیستها همراه با طبقه کارگر آگاه، سیاستهای انحلال طلبانه ی همکاری مدیریتی را به شکست بکشاند و قادر به تهیه کردن یک **برنامه متقابل کارسندیکائی سازنده گردند** و آن را گام به گام تحمیل کنند. کار سندیکائی سازنده مهم ترین **کارتوده ای حزب** است و شامل عناصر زیر در شرایط کنونی می باشد:

۱- **ازسندیکاها سازمانهای مبارزاتی ای بایده ساخت** برای دفاع و بهبود شرایط کاری و مزدی کارگران. سندیکاها نباید به سازمانهای همکاری طبقاتی تبدیل شوند، برعکس اجباراً تنها در خدمت منافع طبقه کارگر بایده قرار بگیرند. در عین حال، فرض این که سندیکاها تبدیل به سازمان واقعی مبارزه طبقاتی شوند، توهمی بیش نیست. هم چنین فرض این که بوروکراسی راست ترین سندیکا را می توان از آن دور کرد نیز توهم آواراست. در جامعه سرمایه داری خواست بیشتر از آن چه که ممکن است تنها به انشعاب در سندیکا منجر می شود.

۲- **مبارزه برای انجام خصلت فراحزبی حقیقی سندیکاها**. این مستقیماً علیه خواست رهبری رفرمیست سندیکاها در تبدیل سندیکاها به نفع دستورات نظام سرمایه داری از طریق وابسته کردن آنها به احزاب انحصارات می باشد. تنها چنانچه کارگران بدون رابطه با احزاب، کارگران سوسیال دموکرات، کارگران مارکسیست - لنینیست، و کارگران با جهان بینی های مختلف باهم برپایه ای برابر در مبارزه هم کاری کنند، است که سندیکاها می توانند قدرت لازم را بدست آورند. از سوی دیگر، ما مارکسیست - لنینیستها سیاست بی طرفی اتحادیه ها را رد می کنیم چونکه سندیکالسم را به تنگ نظری و تحجر می کشاند. میلیونها عضو اتحادیه ها را باید جهت مبارزه برای جامعه سوسیالیستی جلب کرد.

۳- **مارکسیست - لنینیستها باید به طور فعالی خود را درگیر بحث در مورد آینده ی سندیکاها بنمایند**. آنها از این موضع دفاع می کنند که آینده سندیکاها بستگی به



◀ وحدت دهی در شکل واقعی اتحادیه عمومی کار دارد.

این اتحادیه عمومی کار منعکس کننده ی واقعیتی است که مبارزه برای منافع طبقاتی طبقه کارگر و صفوف جوانان آن بالاتر از منافع تنگ نظرانه در صنایع مختلف، گروههای شاغل، گروههای متخصص یا منطقه ای ویژه می باشند.

۴- موثرترین وسیله در مبارزه برای تحقق دموکراسی داخلی در سندیکا علیه بوروکراسی راست ترین سندیکا عبارت است از حمایت و سازماندهی مستقل مبارزه طبقه کارگر علیه انحصارات و دولت آنان در عرصه ی خواستهای اقتصادی و سیاسی. این مبارزه به طور تنگاتنگی در رابطه است با خواست حق قانونی اعتصاب در مورد همه ی موضوعات.

۵- وابسته گی فزاینده انحصارات به قدرت خلاقانه طبقه کارگر در تولید با صرفه باید مورد استفاده قرار بگیرد در گسترش حقوق اجتماعی و حقوق شهروندی و آزادیها به ویژه کسب یک قانون مترقی در قانون روابط کاری در محل کار.

۶- ضرورتی فوری هست در مخالفت قاطعانه با هر تلاش انحصارات و دولت آنان در محدود کردن حقوق و آزادیهای سندیکاهای. این نه تنها علیه تلاشها در بی اثر ساختن توافقات جمعی موجود یا از کار انداختن آنها می باشد، بلکه هم چنین علیه تمامی محدودیتها در فعالیتهای سندیکا در میان افشارپائینی موسسات است.

۷- مارکسیست - لنینیستها باید به طور خسته گی ناپذیری نفوذ رفرمیستی و ریزیونیستی در توده عضو سندیکا ها را به عقب برانند.

این یعنی کمک به اعضای میلیونی سندیکا ها در جهت گیری خودشان و عمل کردن با اعتماد یابی به راه خودشان. مهم این است که با گرایش تصمیم گیری دیگران به جای خودشان مخالفت کرد، ابتکارات مستقل را از طریق پیشنهادات و روشهای سازنده در کشاندن توده های عضو سندیکا به فعال شدن ارتقاء داد. مارکسیست - لنینیستها باید با بوروکراسی سندیکا در کسب مزایا و سازش طبقاتی که نمونه روشن اش کار سندیکائی بی تفاوت است با شیوه تفکر پرولتاریائی مقابله کنند. به این معنا مارکسیست - لنینیستها همچنین وظیفه ی کار سندیکائی را در صورت پیشنهاد شدن از جانب کارگران جهت تقویت سندیکاهای می پذیرند.

۸- رابطه فشرده با این عبارت است از مبارزه برای به عقب راندن تصمیمات غیر دموکراتیک و تبعیض آمیز "ناسازگار با

عضویت" گرفته شده علیه مارکسیست - لنینیستها توسط سندیکاهای فدراسیون سندیکائی آلمان تحت این بهانه که آنها می خواهند در سندیکاهای انشعاب به وجود آورند. در حقیقت، این تصمیمات ناسازگار مقدماتاً با جهت گیری علیه آلترناتیو اجتماعی سوسیالیسم واقعی است که در سندیکاهای انتشار یافته است. بدون دورنمای سوسیالیسم حقیقی، مبارزه سندیکائی یک مبارزه رفرمیستی باقی مانده و قادر به مدرسه مبارزه طبقاتی طبقه کارگر شدن نمی شود.

۹- به این دلیل پیوسته تلاش برای برقراری رابطه تنگاتنگ بین حزب انقلابی طبقه کارگر و سندیکاهای ضروری می باشد - بدون این که طبعاً وضعیت فراحزبی سندیکاهای در نظر گرفته نشود.

۱۰- انحصارات در رقابت بین المللی می کوشند تا کارگران کشورهای مختلف را علیه هم دیگر کنند. جواب به این باید هماهنگی بین المللی طبقه کارگر و جنبشهای سندیکائی باشد. مارکسیست - لنینیستها مخالف ملیگری و ملی گرایی بوده و برای وحدت کارگری بین المللی مبارزه می کنند.

۱۱- مارکسیست - لنینیستها روحیه مبارزه طبقاتی را قاطعانه به سندیکاهای می برند. آنها از آمیزش درخواستهای اقتصادی و سیاسی حمایت می کنند و مبارزات اقتصادی را به مبارزات سیاسی تبدیل می نمایند. در تحلیل نهائی، موضوع بر سر جلب طبقه کارگر به مبارزه سیاسی سرنگونی دیکتاتوری انحصارات و ساختن سوسیالیسم حقیقی است.

ویژه گیهای سازمان جوانان توده ای مارکسیست - لنینیست

برای ایجاد یک سازمان جوانان توده ای مارکسیست - لنینیست، کنگره چهارم حزب ام.ال.پ.د. در آخر سال ۱۹۹۱ تصمیم به وحدت دوسازمان جوانان موجود حزب به منظور تشکیل جمعیت جوانان ربل (شورش) گرفت. کنگره وظیفه ی کنونی سازمان توده ای جوانان را ضمن تمرکز دادن در جلب جوانان و کودکان طبقه کارگر تصریح کرد. "قطعنامه در مورد اتحاد سازمانهای جوانان" گفت:

«ایجاد یک سازمان توده ای جوانان با سیمای خودش شرطی تعیین کننده در تشویق و رشد دادن شیوه تفکر پرولتاریائی و عقب راندن شیوه تفکر خرده - بورژوائی و ضد کمونیسم مدرن در میان جوانان کارگران می باشد.» (قطعنامه ها و تصمیمات پذیرفته شده در کنگره برلین حزب ام.ال.پ.د.، اسن، ۱۹۹۳، ص. ۲۰)

جوانان در درجه ی نخست حرکت و مبارزه اعتراضی و مقاومت در برابر مسائل حاد مربوط به آینده می کنند: بیکاری وسیع، گذار اولیه به فاجعه جهانی محیط زیست، فقیر شدن در کشورهای پیشرفته، محروم شدن از حقوق، وحشت آفرینی نوفاشیستی، وسیع و بی اعتمادی عمیق احزاب سنتی انحصاری و سیاستمداران بورژوائی را در میان جوانان امروزه متداول می کنند. برخلاف هیچیک از نیروهای جامعه، جوانان آماده بحث در مورد آلترناتیوی اساسی و درسهای خیانت به سوسیالیسم و فروپاشی سرمایه داری بوروکراتیک می باشند. تغییر ساختار طبقاتی و گسترش حضور در مدارس، از سوی دیگر، باعث گسترش در هم نفوذ کردن جوانان کارگر و دانش آموز شد. فرهنگ جوانان بورژوا نفوذ قابل توجهی در افکار و احساس جوانان و کودکان از طریق رسانه های توده ای، با پخش و تغذیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی یافتند.

تحت شرایط تغییر یافته امروز، جمعیت جوانان مارکسیست - لنینیست ماهیت مدرسه ی شیوه تفکر پرولتاریائی می باشد. برای تحقق ساختار بر پایه شیوه تفکر پرولتاریائی نیاز به رهبری ایده نولوژیک و سیاسی ام.ال.پ.د.، همکاری عملی فشرده، و استقلال سازمانی جمعیت جوانان دارد. شیوه تفکر پرولتاریائی، به مثابه اساس جمعیت جوانان مارکسیست - لنینیست نیاز به پیروزی و رشد دادن کارگران صنعتی جوان به مثابه هسته مرکزی طبقه در جمعیت دارد. در جریان کار در مدارس، به ویژه در مدارس بالاتر متوسطه، در آمیزی با زنده گی و مبارزه طبقه کارگر و جوانانش اهمیتی تعیین کننده در تقویت و تجدید تربیت دانش آموزان با مبداء خرده - بورژوازی دارد.

تکامل ربل به جمعیت توده ای جوانان مارکسیست - لنینیست بستگی به ایستاده گی یا مرتد شدن رهبری ایده نولوژیک و سیاسی ام.ال.پ.د. دارد. پیش شرط درونی رشد ایده نولوژیک - سیاسی وجود هسته ی مناسبی از کادرها در جمعیت جوانان می باشد که از اعضای ثابت قدم حزب می باشند. اشکال ویژه حرکت و تغییرات در تفکر رفقای جوان بایستی همزمان در نظر گرفته شوند: یک چیز در مورد تکامل آنها خارج از جنبش خودبه خودی جوانان در عضو ربل شدن است؛ دیگری تکامل سطح تئوریک مارکسیست - لنینیست آنان می باشد. هر دو شکل حرکت وحدتی دیالکتیکی را با نفوذ در یکدیگر تئوری مارکسیست - لنینیست



و پراتیک ربلی تشکیل می دهند. نفوذ شیوه تفکر خرده - بورژوائی در خود جمعیت جوانان مارکسیست - لنینیست، به مثابه یک گرایش، در افرادی سکتاریستی از توده جوانان یا تطبیق اپورتونیستی با جنبش خودبه خودی جوانان را نشان می دهد. تنها توجه آگاهانه به درهم آمیزی زنده تئوری و پراتیک جمعیت جوانان را قدرمی سازد به دربرگیرنده حقیقی جوانان شوند، جذب بخش مبارز جنبش جدید جوانان، و در عین حال عمل کردن به مثابه مدرسه ی آماده گی، منبع و ابزار حزب مارکسیست - لنینیست. در این سه وظیفه ی اساسی، ویژه گیهای جمعیت جوانان مارکسیست - لنینیست در مقایسه با دیگر انجمنهای خودسازمان یافته توده ای در عین حال همزمان جمع بندی شوند. این خصلت های کار مارکسیست - لنینیستی جمعیت توده ای جوانان در پی ریزی شیوه تفکر پرولتاریائی اشکال زیر به خود می گیرد:

- شناختن و یادگیری استادانه خط ایده نولوژیک - سیاسی ام.ال.پ.د. جست و جوی دائمی وحدت محکم داشتن با حزب. تشویق مطالعه مستقلانه مارکسیسم - لنینیسم و روش اش توسط رفقای جوان.
- جمعیت جوانان بایستی با توده جوانان متحد شود.

- آماده سازی و سازمان دهی فعالیتهای مبارزه اتی جوانان در جست و جوی منافع ویژه شان و دفاع از مبارزه مشترک جوانان و پیران. تکامل دادن سیاست فعالی در فعالیت مشترک بر مبنای مبارزاتی.

- تربیت جوانان به احترام گذاشتن به انسانهای کارگر و نقش تاریخی طبقه کارگر در تغییر دادن جامعه.

- مبارزه ایده نولوژیک فعال در ترویج جهان بینی پرولتاریا. مبارزه با نفوذ رفرمیسم، رویزیونیسم، ضد کمونیسم مدرن و قدرت ستیز.

- شرکت فعال در سازمانهای توده ای فرا حزبی، در کلوبهای ورزشی، گروههای موسیقی و فرهنگی، و به ویژه در سازمانهای سندیکائی جوانان.

- کار فعال در میان جوانان برای متقاعد نمودن آنان، در حرف و عمل، تحت شعار "شورش بر حق است".

- یاد دادن کار انقلابی در کارخانه ها و سندیکاها. ورود به این وظیفه و در آمیزی و همکاری با حزب.

- تحقق کار انترناسیونالیستی جوانان و آموزش آنان در داشتن آگاهی انترناسیونالیستی.

- تکامل دادن کار فرهنگی و تفریحی

پرولتاریائی جوانان به مثابه وسیله ای در تقویت و آموزش خود - رهائی.

- آموختن اصل انتقاد و انتقاد از خود و انجام خود کنترلی روزانه توسط هر عضو.

- عضوگیری تعداد زیادی برای ربل و افزودن تعداد رفقای جوان برای عضویت در ام.ال.پ.د. .

- تربیت رهبران شناخته شده از جانب ربل در جنبش جوانان.

- خصوصیت متمایز و مستقل روباها ن سرخ به مثابه سازمان کودکان ربل.

مهمترین شرط عضوگیری از توده های وسیع جوانان عبارت است از کار همه جانبه حزب. در عین حال، ام.ال.پ.د. باید سیاست

مخصوص مربوط به جوانان را در تمامی سطوح رشد دهد. ام.ال.پ.د. مسئولیت

تربیت و تمرین دهی جمعیت جوانان را دارد. ماهیت کار آموزشی مارکسیست - لنینیستی

تقویت و بالابردن شیوه تفکر پرولتاریائی در جمعیت جوانان و اعضایش می باشد.

این کار بایستی شامل تمامی افراد و احساس احترام به رفقای جوان گردد. این تنها

در صورت داشتن اعتماد متقابل ممکن است. بی طاقتی نشان دادن، گفتن به افراد از سوی

دیگر این که در برخورد به مسایل به صورت الگو بردارانه که اثر فاسد کننده ای دارد، چه

باید کرد. اما حزب نیز باید آماده آموختن از جوانان باشد، و نظرات سازنده جدید را

بپذیرد و جوانان بتوانند تمامی توانائی خلاق شان را به کار اندازند.



ایکور... بقیه از صفحه آخر

مورد بحث در اجلاس قرار گرفت. روشن شد که ایکور نه تنها ۱۲٪ طی این مدت از نظر تشکلهای عضو رشد کرده، بلکه از نظر

ایده نولوژیکی - سیاسی و سازماندهی نیز رشد کرده است. اکنون ایکور شامل ۴۵

عضو مرکب از احزاب و سازمانهایی از ۳۴ کشور می باشد. گزارش مالی نشان داد

که اصل استقلال مالی بهبود رشد یابنده ای داشته است.

برخی تغییرات در اساسنامه ایکور به منظور موثرتر ساختن و دموکراتیک تر کردن آن در

انجام کارهای صورت گرفت. به طور ویژه، ترکیب کمیته هماهنگی بین المللی

پر قدرت تر و نماینده تر از قاره های مختلف انجام گرفت. تغییرات به خاطر امکان دادن

به کار انعطاف پذیرتر کنفرانسهای قاره ای

مورد قبول واقع شد.

قطعنامه های مختلفی بعد از بحث مفصل پذیرفته شدند. از نظر سیاسی، تمرکز روی

دو قطعنامه بود: اولی مربوط به اهمیت جنبشها برای رهائی و دموکراسی در کل

جهان و وظایف ایکور؛ دومی در مورد برخورد جهانی به فاجعه زیست محیطی و

مسئولیت ایکور در ساختن جبهه مقاومت جهانی بود. اتفاق آراء در پذیرش این قطعنامه

ها رشد شناختی جنبش انقلابی بین المللی طبقه کارگر در دو سال اخیر را نشان داد.

در بحث در مورد جنبشها برای آزادی و دموکراسی، قسمت بزرگی در مورد

مختصات جنبشها صورت گرفت. شرکت کننده گان از کشورهایی مثل تونس، ترکیه،

نیپال و غیره تجارب دست اول وضعیت کنونی و جزئیات در مورد کشورهای

مربوطه را ارائه دادند.

در مورد تاثیر بحران مالی جهانی در تحرک بخشیدن به این حرکتها به خاطر دموکراسی

و آزادی توافقی عمومی موجود بود. در این بحث در مورد آماده گی طبقه کارگر و توده

های تحت ستم در این کشورها برای مبارزه جهت جامعه ای دموکراتیک تر صحبت

شد. نیروهای ذهنی هنوز به قدر کافی قوی و سازمان یافته برای ارائه بدیل انقلابی

مشخصی در این جنبشها نبودند. توافق شد که با سرعت و خشونت که چنین جنبشهایی

توسط طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده در سراسر جهان انجام گرفتند، تنها نیاز

به همکاری و هماهنگی بین نیروهای مارکسیست - لنینیست و انقلابی در سراسر

جهان را روشن نمود. هم چنین نیاز به وجود تشکیلی نظیر ایکور برای تقویت آن مورد تاکید قرار گرفت.

بحث در مورد مسئله محیط زیست به طور طولانی و در سطحی بالا از نظر درک

سیاسی انجام شد. شرکت کننده گان در چنین جنبشهایی برای حفاظت از محیط

زیست در تمامی جهان گزارشاتی در مورد مشخصات این جنبشها دادند. تشریح شد

که امپریالیسم چه گونه به تخریب محیط زیست در اثر طمع پایان ناپذیری در جست

و جوی سود می باشد. بحث شد که با تعمیق بحران امپریالیسم، استثمار انسانها و منابع

طبیعی در ابعادی وسیع تر جهت تجدید حیات سودهای انجام می گیرند.

برخی از شرکت کننده گان بر این نظر بودند که تضاد مربوط به مسئله محیط زیست به

یکی از تضادهای اساسی جهان امروزی تبدیل شده است، که موجودیت حیات بشری

را در این سیاره تهدید می کند.



قطعنامه درمورد ایران

Resolution of the ۲nd ICOR
World Conference



قطعنامه دومین کنفرانس جهانی ایکور

رژیم جمهوری اسلامی ایران به مثابه رژیم سرکوب گر و در خدمت نظام سرمایه داری، کلیه ی حقوق کارگران، زنان، معلمان، دانش جویان، پرستاران و اقلیتهای ملی و مذهبی را به طور وحشیانه ای زیر پا گذاشته است. کارگران مبارز ایران در کسب حقوق خود و از جمله ایجاد اتحادیه های کارگری مستقل، دستگیر، شکنجه و زندانی شده و شدیدترین صدمات بدنی و رنج و مشقت و فقر به خانواده های آنان وارد شده است.

دومین کنفرانس جهانی ایکور همدردی خود را با مبارزات کارگران زندانی و تمامی توده های استثمار شده و ستم دیده ایران اعلام می کند و خواستار آزادی بدون قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی می باشد.



بحران اکرین... بقیه از صفحه آخر

... در اروپای شرقی استثناء محسوب می گردند که خود را درست در خدمت و اختیار راس نظام قرار داده اند. مقوله "جامعه بین المللی" که رسانه های گروهی فرمانبر و دولتمردان در آمریکا و اروپای آتلانتیک بطور مدام به آن استناد می ورزند چیزی غیر از جلسات نمایندگان کشورهای جی ۷ به اضافه عربستان سعودی، لهستان و... نیستند که در آن ها "اجماع واشنگتن" (تصمیم نهائی انحصارات پنجگانه درون نظام سه سره بر سر هر موضوعی مورد تأیید بی قید و شرط نماینده ها قرار می گیرد و سپس از سوی رسانه های گروهی فرمانبر و اندیشکده های متعلق به انحصارات پنجگانه بر انظار و افکار عمومی حفته می گردد.

- در پرتو اوضاع بحرانی در اوکراین ها ما شاهد این هستیم که دولت پوتین از سوی دولتمردان و رسانه های گروهی فرمانبر به عنوان "دشمن" نظام سه سره معرفی

هم چنین بحث زیادی بر سر ماهیت اتحاد طبقه کارگر در کشورهای نومستعمره و بافت طبقات جدید در قرار گرفتن در رهبری بخشهای مهم جنبشها که توسط امپریالیسم سرکوب شدند، صورت گرفت دایر بر این که اینان آیا زنان یا مردمی علیه تخریب محیط زیست یا جنبشهای ازبومیان یا جنبشهای دیگر بودند.

هم چنین بحث مفصلی در مورد ماهیت دقیق بحرانی که امپریالیسم هم اکنون دچار آن است و این که تا چه حدی قادر به جبران این بحران به دنبال بحران ناشی از بی پشتوانه گی ۲۰۰۸ شده است. بررسی تصویری توسط یک تشکل عضو به طور مبسوط و مقایسه ای و تحلیلی از منابع مختلف ارائه شد. بحث شد که یکی از دلایلی که چرا بحران مهم این زمانها به بحرانهای سیاسی و حتا انقلابی در کشورهای مختلف به خاطر ضعف نیروهای ذهنی منجر نمی شود. امروزه امپریالیسم به طور گذرا به مدیریت بین المللی بحران با تلاش عظیم مالی می پردازد که به اثر تعدیلی سقوط نمی کند. با وجود این، انقلاب گرایش عمده در جهان است.

قطعنامه هائی در مورد هم بسته گی با مردم افغانستان، ایران، روجاوا و ترکیه صادر شد. قطعنامه هائی در حمایت از دومین کنفرانس کارگران معدن که قرار است در ۲۰۱۷ در هندوستان برگزار شود، حمایت از دومین کنفرانس جهانی زنان در نیپال در ۲۰۱۶، و هماهنگی کارگران بارانداز کشتی در ۲۰۱۴ (اکتبر) مورد تأیید اکثریت ایکور قرار گرفت.

کنفرانس کمیته هماهنگی جدید بین المللی را انتخاب نمود. استفن انگل از ام.آل.پ.د. به هماهنگ کننده اصلی و رفیق سانجی سینقوی از حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) به عنوان معاون هماهنگ کننده اصلی برای دومین بار انتخاب شدند.

در تمامی کنفرانس روحیه ی رفیقانه، و بحث فرهنگی پرولتری حاکم بود. تمام تصمیمات در گزارشها، در اساسنامه و قطعنامه ها دقیقاً بر پایه رای مستقل بر اساس اساسنامه ایکور گرفته شدند.

بحثها به صورت آزادانه و سازنده و صادقانه با روحیه به پیش روی و هم بسته گی فزاینده صورت گرفتند. کنفرانس در روز اول شروع به صورت سرور انگیزی با پیامهای تهنیت آغاز شد و با یک برنامه هنری عصرانه در روز آخر با شرکت افراد از تمامی جهان به اجرا درآمد.

کنفرانس با خواندن سرودانترناسیونال به زبانهای مختلف پایان یافت.

می شود. زیرا دولت پوتین چون می داند که هدف آمریکا از جذب و الحاق کشور اوکراین به اتحادیه اروپا و ناتو محاصره روسیه و مهار دولت پوتین است، در نتیجه در مقابل سیاست آمریکا در اوکراین به مقاومت برخاسته است. در دوره جنگ سرد (از ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۱) مستقل از اینکه ما چالشگران ضد نظام سرمایه جهانی چه دیدگاهی نسبت به شوروی داشتیم و آن کشور را سوسیالیست، سوسیال امپریالیست و یا چیز دیگری می دانستیم، کشورهای امپریالیستی غرب به سرکردگی آمریکا دشمنی و خصومت ویژه ای نسبت به سوسیالیسم داشتند زیرا آنها شوروی را به عنوان یک چالش جدی در صحنه بین المللی محسوب می داشتند. چالشی که می خواست در مرحله گسست از نظام باقی مانده و به توسعه مستقل از حاکمیت غرب ادامه دهد.

- بعد از فروپاشی و تجزیه شوروی و پایان دوره جنگ سرد خیلی از مفسرین سیاسی و دولتمردان بویژه در خود روسیه به این تصور توهم آمیز روی آوردند که چون روسیه هم در عمل و هم رسماً به یک کشور کاپیتالیستی تبدیل شده است پس آمریکا و شرکا دست از خصومت و دشمنی بخواهند داشت. حتی برخی از این مفسرین سرشناس منجمله سولژنیتسین بر آن شدند همان طور که آلمان نازی و ژاپن فاشیستی علیرغم شکست شان در جنگ جهانی دوم در دوره صلح به برکت و کرامت "برنامه مارشال" به رفاه و امنیت رسیدند پس دولت و کشور کاپیتالیستی روسیه نیز با همان سرنوشت شکوفا و پر از امن و امان روبرو خواهند گشت. این مفسرین و دولتمردان (گورباچف، شوارز نادزه و...) یا نمی دانستند و یا فراموش می کردند که قدرت های غربی بعد از پایان جنگ جهانی دوم بازسازی و مرمت کشورهای فاشیستی سابق را دقیقاً به خاطر رویارویی و تقابل خصمانه با سیاست های مستقل شوروی در دوره جنگ سرد به پیش برده و پیاده می کردند. وقتی که بعد از پایان دوره جنگ سرد خطر و چالش از سوی شوروی برطرف گشت، راس نظام و شرکا هدف خود را مهار روسیه (تضعیف و نابودی ظرفیت روسیه در مقاومت و ایستادگی در مقابل پروژه سیاست جهانی راس نظام) قرار دادند.

- رشد و گسترش بحران اوکراین واقعیت این هدف امپریالیسم سه سره را از یک سو و مقاومت روسیه را در تقابل با این هدف از سوی دیگر به روشنی به تصویر کشیده است. در این راستا آمریکا در کیف

برای تقویت انترناسیونالیسم پرولتری به ایکور بپیوندیم!



▶ پایتخت اوکراین دست به ایجاد ائتلافی از گروه های اولترناسیونالیستی، پانیستی نازی و فاشیست زد تا به هدف خود ("تغییر رژیم" در اوکراین در جهت تضعیف و اخته کردن روسیه) از طریق جدائی ملیت های اوکرائینی و روس برسد: دو ملیتی که در تاریخ شکلگیری و تکامل هزارساله کشور روسیه به عنوان "خواهران دو قلو" معروف اند. چرا آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا در رسیدن به هدف خود دست به بسیج و تسلیح نیروهای بنیادگرای دینی - مذهبی نزدند؟ این پرسش که توسط خیلی از چالشگران ضد نظام و مفسرین سیاسی مطرح می گردد بسیار بجا و قابل تامل است. در دوره بعد از پایان جنگ سرد زمانی که دولتی در کشور های پیرامونی (مثل عراق و لیبی و...) و یا در کشورهای نیمه پیرامونی (مثل یوگسلاوی و...) به هر دلیل و انگیزه ای در مقابل امواج تهاجمی بازار آزاد نئولیبرالی نظام جهانی ایستادگی کرده و از اعمال سیاست باز کردن درهای آن کشور به سرمایه گذاری های انحصارات پنجگانه دوری می جستند، راس نظام با توسل به چندین وسیله و راه برنامه می ریخت و می ریزد که در آن کشور سیاست تغییر رژیم خود را پیاده کند. این راه ها و وسایل عبارتند از:

۱- حمله نظامی و فتح کشورها از طریق اشتعال جنگ های مرئی (افغانستان، عراق و...) و یا نامرئی (يمن، سومالی، فلسطین و...) .
 ۲- حمله نظامی غیر مستقیم (یعنی مداخله و فتح کشور توسط شرکای راس نظام = کشورهای ناتو): لیبی، مالی، جمهوری آفریقای مرکزی و...
 ۳- بسیج بنیادگرایان دینی - مذهبی (سلفیست های وهابی، دیوبندی و...) در کشورهای همجوار و اعزام آنها بعد از دادن آموزش بنیادگرائی و نظامی به کشور مورد تهاجم قرار گرفته (سوریه و...)
 - شایان توجه است که در پیاده کردن برنامه "رژیم پنج" در اوکراین، نظام سه سره نمی توانست از وسایل و راه های سه گانه فوق الذکر، استفاده کند. علت این امر دقیقا فقدان شرایط اجتماعی و سیاسی مساعد در اوکراین در بازتولید یکی از راه ها و وسایل فوق الذکر بود که بعدا بطور اجمالی در همین نوشتار مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لذا معماران سیاست جهانی امپریالیسم سه سره برای اینکه موفق به تغییر رژیم در اوکراین گردند این دفعه سیاست و تاکتیک "تفرقه بیانداز و حکومت کن" را با تعمیق و گسترش شکاف سیاسی - ایدئولوژیکی

بین مردم اوکراین، بکار انداختند: بسیج اولترناسیونالیست های پانیست، نئونازی ها و فاشیست ها در اوکراین (چه روسی تبار و چه اوکرائینی تبار) براساس الحاق به "اتحادیه اروپا" و "ناتو" در تقابل و ضدیت توده های مردمی ضد فاشیست و ضد نازی (چه روسی تبار و چه اوکرائینی تبار) که علیه الحاق به اروپای آتلانتیک و خواهان همکاری با "سازمان گمرکی یورو آسیا" (کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان و...) بودند.

- لفاظی ها، تبلیغات رسانه های عمومی جاری و دولتمردان آمریکائی و اروپای آتلانتیک مبنی بر اینکه هدف نظام و راس آن از "مداخلات بشردوستانه" گسترش دموکراسی و حقوق بشر در جهان است، بکلی بی پایه و دورغ محض می باشد. در اقصا نقاط جهان کشوری را سراغ نداریم که در آنجا اعضای سه سره نظام دموکراسی (حتی دموکراسی بورژوائی) را پیاده کرده باشند. درست بر عکس، دولت های نظام سه سره بطور سیستماتیک از شکلگیری و رشد ضد دموکرات ترین و در بعضی مواقع فاشیست ترین نیروهای بومی در کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی بویژه در بیست و اندی سال گذشته دوره بعد از جنگ سرد حمایت کرده اند. در دهه ۱۹۹۰، دولت های آمریکا و اتحادیه اروپا با استفاده از نیروهای شبه فاشیستی در ایالات کرواسیا و سپس اسلووانی از یک سو و با حمایت از نیروهای بنیادگرای وهابی - سلفیستی در ایالات بوسنی - هرزگوین و سپس کوزوو کشور یوگسلاوی را بعد از درماندگی، ویرانی و فرسودگی به هفت واحد کشوری مجزا از هم (اسلووانی، کرواسیا، صربستان، بوسنی - هرزگوین، مقدونیه، کوزوو و مونتینی نگرو) تقسیم کردند. در همان دهه همین سیاست های تهاجمی در دیگر کشورهای اروپای شرقی (لیتونی، استونی و لاتونی در منطقه بالتیک و رومانی، مجارستان و...) از سوی آمریکا و کشورهای ناتو بطور مستقیم و غیر مستقیم به پیش برده شد. در واقع امروز در پرتو تداوم بحران اوکراین و با عطف و توجه به اوضاع متحول در اروپای شرقی در بیست و اندی گذشته (از سال ۱۹۹۱ به این سو) به روشنی شاهد این امر تاریخی می گردیم که سیاست ادغام کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا و سازمان ناتو بر خلاف لفاظی های دولتمردان آمریکا و اتحادیه اروپا نه بر اساس اصل "شرکای برابر" بلکه عملا به عنوان نیمه مستعمرات کشورهای اتحادیه اروپا به پیش برده شد. در واقع خصلت و

نحوه روابط بین کشورهای اروپای شرقی (اروپای جدید در ادبیات سیاسی نومحافظه کاران نئولیبرال) و اروپای غربی از جهاتی شباهت به خصلت و نحوه روابط آمریکا و آمریکای لاتین دارد. به عبارت دیگر راس نظام در دوره بعد از پایان جنگ سرد توانست تعدادی از کشورهای اروپای شرقی مثل رومانی، مجارستان، لهستان و... را به حیاط خلوت اروپای آتلانتیک (اروپای غربی) تبدیل کند. ولی در سال های اخیر بویژه از سال ۲۰۱۱ به این سو آمریکا در پیشبرد سیاست جهانی خود یعنی جهانی گرائی (گلوبالیزاسیون) "دکترین مونرو" - تبدیل مناطق کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی به حیاط های خلوت راس نظام و شرکا (اتحادیه اروپا و ژاپن) - نه تنها با ایستادگی مردمان آن کشورها بلکه با مقاومت های دولت های در حال عروج و مقتدر روبرو گشته است. در حال حاضر اوکراین یکی از آن کشورهایی است که در آنجا بخش بزرگی از مردم در مقابل پروژه های الحاق کشورشان به اروپای آتلانتیک به مقاومت همه جانبه مسالمت آمیز و قهرآمیز متوسل گشته اند. بدون تردید در این مقاومت و ایستادگی مردم اوکراین از حمایت جدی دولت روسیه تحت رهبری پوتین (که به خاطر جلوگیری از سیاست مهار و محاصره روسیه توسط آمریکا مخالف جدی الحاق کشورهای همجوار روسیه - مثل اوکراین، بلا روس و... - به اتحادیه اروپا و سازمان ناتو است) برخوردار هستند. ولی عامل دیگری که عمدتا در این ایستادگی علیه برنامه الحاقی راس نظام نقش مهمی ایفاء می کند. ویژگی جامعه سیاسی - فرهنگی خود اوکراین است که در اینجا اشاره اجمالی به آن حائز اهمیت می باشد

- نظام جهانی سرمایه و در راس آن آمریکا در طول ۲۴ سال دوره بعد از پایان جنگ سرد در پیشبرد سیاست جهانی خود (جهانی سازی "دکترین مونرو") در کشورهای واقع در مناطق استراتژیکی جهان (از افغانستان، عراق، لیبی و مصر گرفته تا مالی، سومالی، جمهوری آفریقای مرکزی و...) با استفاده و حمایت از نیروهای به غایت ضد دموکراتیک بومی (بنیادگرایان اسلامی) بعد از گسترش درماندگی و فرسودگی در آن کشورها آن ها را به حیاط های خلوت امپریالیسم سه سره، تبدیل کرده است. ولی سیاست جهانی سازی "دکترین مونرو" در پروژه تسلط بر اوکراین توسط نظام سه سره از طریق بسیج و حمایت نیروهای بنیادگرای بومی امکان پذیر نبود. توضیح اینکه ▶



سوی دیگر دال بر این امر هستند که نه تنها راس نظام در سرانجام نزول و فرود از قله هژمونیک بلامنازع خود، قرار گرفته بلکه احتمال دارد که جهان ما بعد از گذشت نزدیک به ۷۰ سال از ۱۹۴۵ به این سو از شکل و شمایل دو قطبی و تک قطبی به شکل و شمایل چند قطبی و چند محوری تحویل و تحول یابد.

- بدون تردید تبدیل جهان از تک محوری و تک قطبی به چند محوری و چند قطبی به هیچ عنوان و معنی آغاز بهار حرکت مردم جهان در جهت ساختمان "دنیای بهتر" و "دیگر" نیست. ولی بررسی ها و پژوهش های تاریخ سیاسی جهان به روشنی نشان می دهند که در جهان دو قطبی و بویژه چند قطبی، خلق ها و دولت های واقع در کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی (که ۸۰ درصد جهان کنونی را هم از نظر جمعیت و نیروهای کار و زحمت و هم از نظر منابع طبیعی، در بر می گیرند) توانسته اند بیشتر و بهتر با استفاده از تضادها و تلاقی های موجود بین قطب های قدرت به کسب مطالبات و حقوق ملی و دموکراتیک خود دست یابند. لذا بر چالشگران جدی ضد نظام بویژه در کشورهای واقع در "مناطق طوفانی" است که با زدن "نشان سرخ دلیری" به سینه های خود به بلندپروازی های خود در جهت گسست از محور نظام و ساختمان دنیای دیگر و بهتر شدت بخشند.

ن. ناظمی - خرداد ۱۳۹۱

منابع و مأخذ

- روزنامه "واشنگتن پست"، شماره های ماه آوریل ۲۰۱۴.
- سمیرامین، "بحران روسیه - اوکراین و سیاست های امپریالیسم سه سره" در مجله اینترنتی "جامائیکائی ها در همبستگی با کوبا"، ۲۶ مارس ۲۰۱۴.
- امانوئل والرشتاین، "موقعیت جغرافیائی - سیاسی اوکراین"، ۱۵ فوریه ۲۰۱۴.
- سمیرامین، "انفجار درونی سرمایه داری معاصر"، نیویورک ۲۰۱۴.
- جان بلامی فاستر، "بحران بی پایان"، نیویورک ۲۰۱۳.
- مقالات مجله "نیشن" درباره بحران اوکراین، در شماره های ژانویه تا آوریل ۲۰۱۴.

"جامعه یورو - آسیا" که توسط رهبری روسیه در تقابل با امپریالیسم سه سره نظام در حال شکلگیری و رشد است نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

- ولی این ایستادگی و مقاومت از سوی روسیه در مقابل پروژه فلاکت بار نظام سه سره امپریالیستی محکوم به ناکامی و فنا است مگر اینکه دولتمردان روسیه و حامیان آنها در پیشبرد "سیاست بین المللی" خود (مقاومت جدی علیه پروژه نظام سه سره و ایجاد جامعه "یورو آسیا" در تقابل با اتحادیه اروپا و ناتو، به دام دو تله نیافتند. یکم اینکه در این کارزار، دولتمردان روسیه که به پشتیبانی مردم روسیه و نیروهای دموکراتیک خلق های ساکن اوکراین و دیگر کشورهای همجوار روسیه (بلاروس، مولداوی، بلغارستان و...) احتیاج میرم دارند مبدا به دام لفاظی ها و اشتعال اندیشه ها و عملکردهای شوونیستی و اولتراناسیونالیستی و حتی "ناسیونالیستی پیشرو" و "مثبت" بیافتند. زیرا فاشیسم در اوکراین و یا در دیگر کشورهای اروپای شرقی را نمی توان از طریق فاشیسم روسی به یک چالش جدی طلبید. تنها راه مناسب برای جلب پشتیبانی توده های مردم روسیه در این کارزار تعبیه و تنظیم سیاست های اقتصادی و اجتماعی "توده محور" در جهت تامین منافع طبقات کار و زحمت در روسیه می باشد.

- دوم اینکه در این رویارویی با راس نظام و چالش پروژه جهانی آن (جهانی ساختن دکترین مونرو از طریق مهار روسیه و در فاز نهائی محاصره چین) روسیه نباید مثل دهه های آخر عمر شوروی (دهه های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم) به تله ویرانساز سیاست کج - آپ (رسیدن به آنها - به مرکزهای امپریالیستی سه سره نظام - از طریق سبقت) بیافتد. در یک کلام پیروی از سیاست های شوونیسم ملی و "کج - آپ" نه تنها روسیه را از موهبت کسب استقلال از نظام سه سره و اتخاذ یک سیاست بین المللی محروم خواهد ساخت بلکه جهان کنونی را در مدار فلاکت بار تک قطبی و تک محوری به مدت طولانی تری نگاه خواهد داشت.

نتیجه اینکه

- تداوم بحران متلاطم در اوکراین، ادامه جنگ سوریه، عدم موفقیت نظام در حل مسئله تاریخی فلسطین به نفع صهیونیسم به همراه رسوائی های نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و... امپریالیسم سه سره نظام از یک سو و عروج امواج خروشان بیداری ها و رهائی ها در کشورهای مختلف و متنوع جهان بویژه در "مناطق طوفانی" از

اکثریت بزرگی از جمعیت ۴۴ میلیون نفری کشور اوکراین (شامل غرب، شرق و جنوب اوکراین به اضافه شبه جزیره کریمه) به شاخه ارتدوکس دین مسیحیت تعلق دارند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد این شاخه و یا مذهب نه تنها در دین مسیحیت بلکه در بین تمام شاخه های مذهبی دیگر ادیان جهان تنها شاخه و مذهبی است که پدیده بنیادگرایی در میان پیروان آن وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد بقدر قابل ملاحظه ای غیر متشکل و بی تاثیر در تاریخی سیاسی جوامع متعلق به ارتدوکس ها بوده است. بررسی های تاریخ معاصر کشورهای انیوپی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، قبرس، روسیه، اوکراین، بلا روس، رومانی، صربستان و... که اکثریتی از مردمانشان متعلق به این شاخه هستند، این واقعیت را تأیید می کنند.

- بهر رو در فقدان این "باران رحمت" (بنیادگرایی دینی) در اوکراین راس نظام و شرکا متوسل به نیروهای به غایت ضد دموکراتیک به اصطلاح سکولار (فاشیست ها، نئونازی ها و پان ایست های شوونیست) در اوکراین گشتند که بعد از حمایت و بسیج همه جانبه آنها سیاست الحاق اوکراین به حیط خلوت اروپای غربی (اتحادیه اروپا و ناتو) را پیاده کنند. اوضاع رو به رشد در مناطق مختلف اوکراین و شواهد امر نشان می دهند که امپریالیسم سه سره و راس آن آمریکا تاکنون (که نزدیک به هشت ماه متوالی از آغاز بحران کنونی اوکراین می گذرد) در الحاق آن کشور به "حیط خلوت" اروپای آتلانتیک با ناکامی روبرو گشته اند. به نظر این نگارنده ناکامی فعلی نظام سه سره در اوکراین مثل ناکامی آن در سال های اخیر در ارتباط با عدم پیروزی نظامی در سوریه و ناکامی آن در حل مسئله فلسطین به نفع صهیونیسم و..، عارضه و علامت دیگری از فرتوتی، بی ربطی و فرود آشکار راس نظام از قله قدر قدرتی در جهان امروز و احتمال تبدیل جهان از وضعیت تک قطبی به جهانی دوقطبی و حتی چند قطبی است.

- با در نظر گرفتن احتمال این تحویل و تحول، سیاست روسیه پوتین در ایستادگی در مقابل پروژه نظام در جذب اوکراین به حیط خلوت نظام امپریالیستی سه سره در این برهه از تاریخ باید مورد توجه و حتی حمایت چالشگران ضد نظام و دولت هائی که نمی خواهند درهای کشورهای خود را بسوی صاحبان بازار آزاد نئولیبرالی باز سازند، قرار گیرد. هم چنین این حمایت و استقبال ضروری است که در مورد ایجاد





در جنبش جهانی کمونیستی

فصل ۳. حزب سازی و مبارزه طبقاتی

بر اساس شیوه تفکر پرولتاریائی

۳. اهمیت خود - سازماندهی توده

ای فراحزبی، کار مثبت درسندیکا، و

سازمان یابی مارکسیست - لنینیستی

توده ای جوانان

به نقل از کتاب : مبارزه بر سر شیوه تفکر

در جنبش طبقه کارگر - استفن انگل - ۱۹۹۵

لنین در "سخن رانی اش درباره نقش

حزب کمونیست" تاکید کرد که تحت نظام

سرمایه داری حزب انقلابی هرگز قادر

به سازماندهی توده ای وسیع در صفوف

خودش نیست، بلکه تنها همیشه یک اقلیتی

از طبقه کارگر با آگاهی طبقاتی می باشد:

« یک حزب سیاسی فقط می تواند اقلیتی از

طبقه کارگر را در بر بگیرد، به همان طریق

واقعا کارگران با آگاهی طبقاتی در هر جامعه

سرمایه داری تنها اقلیتی از کارگران را

تشکیل می دهند. در نتیجه ما مجبوریم به

پذیریم که تنها همین اقلیت با آگاهی طبقاتی

است که می تواند هدایت و رهبری توده

وسیع کارگران را انجام دهد.» (لنین - کلیات

آثار، جلد ۳۱، ص ۲۳۵)

در نتیجه سوسیالیسم

« بدون تعدادی از "تسمه های انتقالی"

از پیشروان تا توده ها در طبقه پیشرو،

و از طریق آنها با توده زحمت کشان.» (

لنین - "در مورد اتحادیه ها"، کلیات آثار، جلد

۳۲، ص ۲۱) نمی تواند تحقق یابد.

تکامل روشهای درست برای ارتباط گیری

حزب با توده ها تعیین کننده موفقیت مبارزه

طبقاتی پرولتاریائی است. لنین صریحا تا

بدان جا رفت که به اتحادیه های کارگری

درسوسیالیسم وظیفه ی حفاظت از "منافع

مادی و معنوی" توده ها علیه "پیچ و تاب

هماهنگی بین المللی احزاب و سازمانهای انقلابی - ایکور -

۱ آوریل ۲۰۱۴ - اطلاعیه در مورد دومین کنفرانس جهانی ایکور

دومین کنفرانس جهانی ایکور چند هفته پیش

در وسط اروپا برگزار شد. در این کنفرانس

نمایندگان ۲۸ حزب از ۲۴ کشور و ۲

هیئت نمایندگان مهمان از ۲ حزب شرکت

کردند.

کنفرانس با صحبت مقدماتی هماهنگ

کننده اصلی ک.ه.ب.(کمیته هماهنگ کننده

بین المللی)، و خوشامدگویی به شرکت

کننده گان، شروع شد، وظایف پیش روی

دومین کنفرانس را توضیح داد و شروع

اجلاس را اعلام نمود. نتیجتا تمامی نماینده

گان و مهمانان با معرفی خود و آرزوی

بهترین موفقیت برای کنفرانس و تاکید

براهمیت تشکیل آن در شرایط کنونی به

صحبت پرداختند. سپس پیامهای دریافتی

از جانب تشکلهای مختلف ایکور که حضور

نیافته بودند خوانده شد. شرکت برخی از

تشکلهای بطور جدی به علت مانع تراشی

وبخشا غیرممکن سازی بوروکراتیک در

دادن ویزا توسط آلمان و دیگر دولتهای

اروپائی، صورت گرفت. پیامهای تیریک

صدر ILPS (جامعه بین المللی مبارزات

مردمی)، خوزه ماریا سیسون، اوتو وارگاس

و ایرن آلونسو از PCR (حزب کمونیست

انقلابی آرژانتین)، و CPA(ML) (حزب

کمونیست استرالیا) مارکسیست - لنینیست]]

خوانده شد.

کمیته هماهنگ کننده قبلی گزارش کار

ایکور از ۲۰۱۰ به بعد را داد. گزارش

توسط اعضای دبیرخانه ایکور خوانده شد و

بحران اوکراین و آینده جهان

- تم اصلی صحنه بین المللی جهان در فاز

فعلی جهانی گرائی (گلوبالیزاسیون) می

تواند در تلاش مرکزهای تاریخی امپریالیسم

(آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن) در راستای

تسلط و کنترل کامل آنان بر کره زمین،

خلاصه گردد. برای دستیابی به این هدف

استراتژیکی و نهائی، مرکزهای تاریخی که

به اسم "امپریالیسم سه سره" نیز معروفند، از

دو وسیله که مکمل و لازم و ملزوم همدیگر

هستند، استفاده می کنند:

۱ - جهانی سازی "بازار آزاد نئولیبرالی"

برای گسترش و بسط بیشتر سرمایه مالی

فراملی "انحصارات پنجگانه" در اکناف

جهان در جهت کنترل بی قید و شرط بر

تصمیم گیریهای نهائی در کلیه امور جهان

به نفع صاحبان این انحصارات (بالائی ها =

یک درصدی ها) و

۲ - کنترل نظامی کره زمین توسط راس

نظام جهانی و شرکایش ناتو و ژاپن و

نابودی هر تلاشی از سوی هر کشوری در

جهت رهائی از یوغ نظام امپریالیستی.

- در این چهارچوب، تمام کشورهای

پیرامونی و نیمه پیرامونی که در درون بخش

مرکز امپریالیسم سه سره قرار نمی گیرند و

خواهان گسست از مدار نظام جهانی تک

قطبی هستند از سوی معماران پروژه های

جهانی راس نظام و شرکا دشمنان واقعی و

یا بالقوه نظم حاکم محسوب می شوند. البته

در این محاسبات کشورهای مثل عربستان و

قطر و... در خاورمیانه و لهستان، رومانی

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرغه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org